


Analytical Comparison of the Organizational and Management Structure of Iranian Universities with Three Top Foreign Universities

Farnaz
Einkhah 

Ph.D Student of Higher Education, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. E-mail: Einkhah@gmail.com

Ebrahim Salehi
Omran* 

Corresponding Author, Professor, Department of Education, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. E-mail: edpes60@hotmail.com

ABSTRACT

The purpose of this research is to compare the organizational structure of Iranian and non-Iranian universities, the number of administrative employees, the number of faculties and defined groups. The steps of the research included data collection by document study and qualitative data analysis by qualitative content analysis and mapping accumulation through document mining and statistical analysis of quantitative data in the quantitative section. The number of majors and departments, management positions and administrative staff and faculty members of 23 faculties from 3 selected non-Iranian universities and 95 Iranian faculties were investigated. Based on the results of the research, the number of managerial positions in Iranian universities is more and the number of administrative employees is less compared to non-Iranian universities. Ferdowsi has the best situation both in the number of administrative employees and in the number of management positions compared to other Iranian universities. University of Tehran has the lowest number of administrative employees and the most managerial positions and has a hierarchical and evaluation organizational structure compared to other studied universities. In the organizational structure of Mazandaran University, after Tehran University, the largest numbers of management positions are defined. The number of faculty members in departments and faculties in non-Iranian universities is also much higher than in Iranian universities. The number of courses in all non-Iranian universities is less than in Iranian universities. Oxford ranks highest among prestigious universities in terms of the number of administrative staff and the number of management positions.

Keywords: University, Organizational structure, Managerial positions, Administrative staff

Cite this Article: Einkhah, F., & Salehi Omran, E. (2023). Analytical Comparison of the Organizational and Management Structure of Iranian Universities with Three Top Foreign Universities. *Educational Leadership Research*, 7(26), 6-42. doi: 10.22054/jrlat.2024.74117.1660



© 2016 by Allameh Tabataba'i University Press
Publisher: Allameh Tabataba'i University Press
DOI: 10.22054/jrlat.2024.74117.1660

مقایسه تحلیلی ساختار سازمانی و مدیریتی دانشگاه‌های ایرانی با سه دانشگاه برتر خارجی

دانشجوی دکتری رشته آموزش عالی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. رایانامه:

Einkhah@gmail.com

نویسنده مسئول، استاد گروه علوم تربیتی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. رایانامه:

edpes60@hotmail.com

فرناز عین خواه

ابراهیم صالحی

عمران*

چکیده

در سال‌های اخیر ساختار سازمانی دانشگاه‌های تراز اول دنیا به سمت انعطاف‌پذیری و ساختارهای مسطح‌تر متحول شده است. هدف از پژوهش حاضر مقایسه تحلیلی ساختار سازمانی دانشگاه‌های ایرانی و غیر ایرانی از نظر میزان متمرکز بودن چارت با بررسی سهم پست‌های مدیریتی، تعداد کارمندان اداری، تعداد دانشکده‌ها و گروه‌های تعریف شده است. مراحل پژوهش شامل گردآوری اطلاعات به روش مطالعه اسناد و مدارک و تحلیل داده‌های کیفی به روش تحلیل محتوای کیفی و انباشت نگاشتی از طریق سند کاوی و تجزیه و تحلیل آماری داده‌های کمی بود. تعداد رشته و گروه، پست‌های مدیریتی و کارمندان اداری و اعضای هیئت علمی ۲۳ دانشکده از ۳ دانشگاه غیر ایرانی منتخب و ۹۵ دانشکده ایرانی بررسی شد. بر اساس نتایج پژوهش در دانشگاه‌های ایرانی تعداد پست‌های مدیریتی بیشتر و تعداد کارمندان اداری کمتری در مقایسه با دانشگاه‌های غیر ایرانی تعریف شده است. فردوسی مشهد هم در تعداد کارمندان اداری و هم در تعداد پست‌های مدیریتی بهترین وضعیت را در مقایسه با دیگر دانشگاه‌های ایرانی دارد. دانشگاه تهران دارای کمترین تعداد کارمند اداری و بیشترین پست‌های مدیریتی و دارای ساختار سازمانی سلسله‌مراتبی و متمرکزتری در مقایسه با دیگر دانشگاه‌های مورد مطالعه است. در ساختار سازمانی دانشگاه مازندران بعد از دانشگاه تهران بیشترین تعداد پست‌های مدیریتی تعریف شده است. تعداد اعضای هیئت علمی در گروه‌ها و همچنین دانشکده‌ها در دانشگاه‌های غیر ایرانی نیز بسیار بیشتر از دانشگاه‌های ایرانی است. تعداد رشته/مقطع تحصیلی در تمامی دانشگاه‌های غیر ایرانی کمتر از دانشگاه‌های ایرانی است. آکسفورد از نظر تعداد کارمندان اداری و تعداد پست‌های مدیریتی بالاترین رتبه در بین دانشگاه‌های مورد مطالعه را دارد.

کلیدواژه‌ها: دانشگاه، ساختار سازمانی، پست‌های مدیریتی، کارمندان اداری

استناد به این مقاله: عین خواه، فرناز، و صالحی عمران، ابراهیم. (۱۴۰۲). مقایسه تحلیلی ساختار سازمانی و مدیریتی

دانشگاه‌های ایرانی با سه دانشگاه برتر خارجی. پژوهش‌های رهبری آموزشی، ۲۶(۷)، ۶-۴۲. doi:

10.22054/jrlat.2024.74117.1660

© ۲۰۱۶ دانشگاه علامه طباطبائی

ناشر: دانشگاه علامه طباطبائی



مقدمه

در سال‌های اخیر، ظهور فناوری‌های نوین، جهانی شدن، حرکت به سوی پایداری محیطی، شهرنشینی، تغییرات اجتماعی و فرهنگی، تغییر در بازار کار و چالش‌های اقتصادی و سیاسی، ساختارهای دانشگاهی را متحول ساخته است (Deegan & Martin, 2018). بر اساس مبانی نظری نظام‌های آموزشی نیز نظام‌های آموزش عالی ملزم به تغییر و تحول در ساختارهای خود هستند. بر اساس نظریه فورديسم و پسا فورديسم در گذر از جامعه صنعتی مبتنی بر نظریه فورديسم به جامعه فراصنعتی اطلاعاتی پسا فورديسمی، لازم است نظام‌های آموزشی و به طبع آن ساختارهای سازمانی دانشگاه‌ها نیز متحول شده و از حالت متمرکز و فرموله شده و غیر منعطف و سلسله‌مراتبی به سمت سیستم‌ها و ساختارهای منعطف و مسطح سوق پیدا کنند. ساختارهای سلسله‌مراتبی و متمرکز فورديسمی که روش مسلط توسعه کشورها از نیمه اول قرن بیستم تا سال ۱۹۸۰ بود در سال‌های اخیر به‌طور فزاینده‌ای به‌وسیله پارادایم‌های مختلف اقتصادی-فناوری به چالش کشیده و با بحران‌های زیادی مواجه شده‌اند؛ جهت مواجهه با این بحران‌ها، ساختارهای سازمانی و فرایندهای کاری، به سمت ساختارهای مسطح و منعطف‌تر سوق پیدا کرده‌اند (صالحی عمران، ۱۳۸۸). بسیاری از دانشگاه‌های غیر ایرانی نیز در سال‌های اخیر برنامه‌های اصلاح ساختاری را اجرا کرده‌اند؛ چراکه معتقدند سیستم‌های مبتنی بر تمرکزگرایی، رسمیت شدید، ارتباط‌های رسمی و مبتنی بر بروکراسی زیاد، بر آموزش افراد بدون توجه به نیازهای فرد و محیط بیرونی و کانالیزه کردن آموزش در یک مسیر خاص منجر خواهد شد.

در ساختارهای سلسله‌مراتبی میزان پیچیدگی، رسمیت و متمرکز بودن فرایند تصمیم‌گیری در سطح بسیار بالایی است. پیچیدگی به میزان عناوین شغلی (پراکندگی مشاغل درون سازمان)، تعداد سلسله‌مراتب و سطوح مدیریتی، میزان تحصیلات و میزان پراکندگی جغرافیایی واحدهای سازمان از یکدیگر گفته می‌شود (Gresov & Drazin, 2007). تفکیک افقی، تفکیک عمودی و تفکیک جغرافیایی سه عنصر مهم در تعریف پیچیدگی هستند. تفکیک افقی بر درجه‌ای از تفکیک بین واحدها بر اساس افراد و کاری که انجام می‌دهند، تحصیلات و آموزش آن‌ها دلالت دارد. وقتی سازمان به دانش و مهارت‌های زیادی نیاز دارد، پیچیدگی افزایش می‌یابد و ارتباطات و هماهنگی سخت‌تر می‌شود. تفکیک عمودی به عمق یا ارتفاع ساختار سازمان اشاره دارد. افزایش این نوع

تفکیک باعث افزایش تعداد سطوح سلسله مراتب، فاصله بین مدیریت عالی و عملیاتی و همچنین کندی و دشواری ارتباطات و هماهنگی ها می شود. منظور از تفکیک جغرافیایی پراکندگی ادارات و دواير و کارکنان سازمان در مناطق جغرافیایی است و تفکیک جغرافیایی، تفکیک افقی و عمودی را نیز افزایش می دهد (رایبیز، ۱۳۹۰).

مرور ادبیات پژوهش در حوزه ساختار سازمانی دانشگاه های ایران مؤید آن است که ساختار سازمانی دانشگاه های ایران از وضعیت مطلوبی برخوردار نبوده و نیازمند اصلاح ساختاری است. ایزدی یزدان آبادی و بهرنگی (۱۳۸۵)، در پژوهشی ساختار سازمانی دانشگاه تربیت معلم را بررسی و تحلیل کرده اند و ساختار سازمانی موجود و ساختار سازمانی مطلوب مورد انتظار کارکنان را با یکدیگر مقایسه کرده اند. یافته های پژوهش آن ها حاکی از آن است که بین ویژگی های ساختار سازمانی موجود و ساختار سازمانی مطلوب مورد انتظار کارکنان تفاوت معنی داری وجود دارد. کارکنان انتظار دارند که ساختار سازمانی دانشگاه از حالت کنونی (که بیشتر متمایل به سمت تمرکز است) خارج و دچار تحول شود و بیشتر به سمت «بوروکراسی حرفه ای» گرایش یابد (ایزدی یزدان آبادی و بهرنگی، ۱۳۸۵). در پژوهشی دیگر رامشگر و همکاران (۱۳۹۳)، ساختار سازمانی دانشگاه اصفهان و دانشگاه علوم پزشکی اصفهان را بررسی کرده اند و نتایج پژوهش های آن ها نیز حاکی از عدم مطلوبیت و میزان بالایی از پیچیدگی، رسمیت و تمرکز ساختار سازمانی در دانشگاه های مذکور است (رامشگر و همکاران، ۱۳۹۳). بر اساس نتایج پژوهش احمدی اصل و همکاران (۱۳۹۸) نیز، در طبقه بندی ساختار سازمانی دانشگاه ها بر سه نوع ساختار رسمی، غیررسمی و نامرئی، تحقق یادگیری پوی پا^۱ یا یادگیری مادام العمر^۲ در دانشگاه ها نیازمند اصلاح ساختارها و حذف موانع موجود ساختاری ساختارهای رسمی (شامل تمرکز، پیچیدگی و رسمیت) و حرکت به سوی ساختارهای غیررسمی شامل روابط غیررسمی، روابط مبتنی بر اعتماد، روابط تعاملی برون گرا و روابط عاطفی فراگیر و همچنین ایجاد بستر مناسب برای فعالیت ساختارهای نامرئی دانشگاه است که حول محورهای سیاسی، اجتماعی و علمی شکل می گیرد (احمدی اصل و همکاران، ۱۳۹۸).

۱. بر اساس گزارش موسسه یادگیری بین المللی پیرسون «شغل هایی برای آینده»، مهارت های امروز در آینده منسوخ خواهند شد و افراد به تطبیق مهارت ها با شرایط جدید در طول زندگی خود نیازمندند و این مهارت ها در غالب یادگیری پوی پا یا مادام العمر شکل می گیرند (احمدی اصل و همکاران، ۱۳۹۸)

تعداد پست‌های مدیریتی تعریف‌شده در ساختار سازمانی دانشگاه‌ها نیز متأثر از نوع ساختار سازمانی تعریف‌شده در دانشگاه‌ها است. در ساختارهای سلسله‌مراتبی تعداد پست‌های مدیریتی بیشتری نسبت به تعداد کارمندان اداری تعریف‌شده است که علاوه بر این که تعامل، توانایی تصمیم‌گیری و استقلال کمتر در مقایسه با ساختارهای مسطح‌تر در ساختارهای سلسله‌مراتبی وجود دارد، از نظر بار مالی و اقتصادی نیز هزینه‌های بیشتری با توجه به حق مدیریت و حقوق و مزایای مدیران بر دانشگاه‌ها تحمیل می‌گردد (Investopedia, 2022). تعداد دانشکده‌ها و تقسیم‌بندی و توزیع رشته‌ها در گروه‌ها و دانشکده‌ها نیز متأثر از نوع ساختار سازمانی دانشگاه‌ها بوده و در تعداد پست‌های مدیریتی و مسائل مربوط به حقوق و مزایای مدیران تأثیرگذار است. مرور ادبیات پژوهش مؤید آن است که پژوهشی که به صورت مستقل به بررسی تعداد پست‌های مدیریتی و کارمندان اداری و همچنین تعداد دانشکده‌ها و تعداد گروه‌های تعریف‌شده در ساختار سازمانی دانشگاه‌های ایرانی پرداخته باشد انجام نشده است و جای پژوهشی که در کنار تحلیل کیفی ساختارهای سازمانی دانشگاه‌های ایرانی در مقایسه با دانشگاه‌های غیر ایرانی، به صورت آماری میزان و سهم پست‌های مدیریتی، تعداد کارمندان اداری و همچنین تعداد دانشکده‌ها و تعداد گروه‌های آموزشی تعریف‌شده در دانشگاه‌های ایرانی در مقایسه با دانشگاه‌های غیر ایرانی را بررسی کرده باشد، خالی است. با توجه به تأثیر ساختار سازمانی دانشگاه‌ها بر عملکرد و کارکردهای مختلف دانشگاه و اهمیت آن، به نظر می‌رسد لازم است پژوهش‌های بیشتری در تحلیل ساختار سازمانی دانشگاه‌ها و تعداد پست‌های مدیریتی و کارمندان اداری در مقایسه با الگوهای بین‌المللی انجام گیرد. هدف از پژوهش حاضر مقایسه تحلیلی ساختار سازمانی دانشگاه‌های ایرانی و غیر ایرانی از نظر میزان متمرکز بودن چارت با بررسی سهم پست‌های مدیریتی، تعداد کارمندان اداری و همچنین تعداد دانشکده‌ها و گروه‌های تعریف‌شده است. پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به سؤالات زیر است:

- ۱- ساختار سازمانی دانشگاه‌های ایرانی در مقایسه با دانشگاه‌های غیر ایرانی از نظر نوع تقسیم‌بندی چگونه است؟
- ۲- تعداد پست‌های مدیریتی تعریف‌شده در چارت دانشگاه‌های ایران در مقایسه با دانشگاه‌های غیر ایرانی چگونه است؟

۳- تعداد کارمندان اداری تعریف شده در چارت دانشگاه‌های ایران در مقایسه با دانشگاه‌های غیر ایرانی به چه صورت است؟

۴- مقایسه تعداد دانشکده‌ها و تعداد گروه‌های تعریف شده برای دانشگاه‌های ایرانی در مقایسه با دانشگاه‌های غیر ایرانی با توجه به تعداد رشته‌های تحصیلی تعریف شده چگونه است؟

نتایج پژوهش می‌تواند مبنایی برای پژوهش‌های بعدی و حرکت به سمت الگوهای ساختار سازمانی دانشگاهی منعطف‌تر و مسطح‌تر و غیرمتمرکزتر قرار گیرد.

روش

پژوهش از نوع کاربردی و از نظر هدف، «توسعه‌ای» است گردآوری اطلاعات به روش مطالعه اسناد و مدارک انجام شد. هدف پژوهش مقایسه تحلیلی ساختار سازمانی دانشگاه‌های ایرانی و غیر ایرانی از نظر میزان متمرکز بودن چارت با بررسی سهم پست‌های مدیریتی، تعداد کارمندان اداری و همچنین تعداد دانشکده‌ها و گروه‌های تعریف شده است و از آنجایی که هدف پژوهشگران دستیابی به آگاهی بیشتر از مسئله پژوهش با بررسی عمیق ساختارهای سازمانی ارائه شده برای دانشگاه‌های ایرانی و مقایسه آن با نمونه‌های غیر ایرانی است، روش پژوهش آمیخته انتخاب شده است. مراحل پژوهش شامل گردآوری و تحلیل داده‌های کیفی به روش تحلیل محتوای^۱ کیفی و انباشت نگاشتی از طریق سند کاوی است و از این طریق، ساختار سازمانی چهار دانشگاه ایرانی: دانشگاه تهران، شهید بهشتی، فردوسی مشهد و دانشگاه مازندران و سه دانشگاه غیر ایرانی^۲ MIT، آکسفورد و استنفورد بررسی شدند و مؤلفه‌های موردنیاز برای پژوهش بر اساس آخرین اطلاعات ارائه شده در سازمان تفصیلی دانشگاه‌ها و وبسایت‌های دانشگاه‌ها استخراج و تحلیل شدند. دانشگاه مازندران به دلیل تعداد بالای پست‌های مدیریتی در بررسی‌های اولیه و دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی و فردوسی مشهد به دلیل قرار داشتن در فهرست ده دانشگاه برتر در رتبه‌بندی دانشگاه‌های کشور و دانشگاه‌های غیر ایرانی به عنوان دانشگاه‌های برتر به صورت گلوله برفی انتخاب شدند. در بخش کمی نیز اطلاعات به دست آمده از سازمان تفصیلی دانشگاه‌ها و وبسایت‌های دانشگاه‌ها استخراج با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل آماری توصیفی شد. جهت

1. content analysis research

2. Massachusetts institute of technology

تحلیل مناسب‌تر و مقایسه اطلاعات به‌دست‌آمده در دانشگاه‌های مختلف، تعداد اعضای هیئت علمی نسبت به سه شاخص تعداد دانشجویان، تعداد کارمندان اداری و تعداد اعضای هیئت علمی نرماله شدند و میانگین رتبه دانشگاه‌ها در هر سه شاخص به دست آمد و با یکدیگر مقایسه شد. تعداد کارمندان اداری نیز سه نسبت به سه شاخص تعداد دانشجویان، تعداد پست‌های مدیریتی و تعداد اعضای هیئت علمی نرماله شدند و میانگین رتبه دانشگاه‌ها در هر سه شاخص به دست آمد. میانگین نسبت‌های نرماله شده، جهت مقایسه و تحلیل، برای دانشگاه‌های ایرانی با دانشگاه‌های غیر ایرانی به صورت جداگانه محاسبه شد. نسبت دانشجویان به استاد در دانشگاه‌های مورد مطالعه در پژوهش نیز بررسی شد. در محاسبه پست‌های مدیریتی دانشگاه‌ها هیئت‌رئیس هر دانشکده، دانشکده‌گان و دانشگاه مدنظر قرار گرفته شد و پست‌های مدیریتی رده‌های پایین‌تر مانند مدیران گروه، مدیر و سرپرست آزمایشگاه، سرپرست سایت، مدیر آموزش‌های الکترونیک و غیره در محاسبه تعداد پست‌های مدیریتی مدنظر قرار نگرفته‌اند. جهت بررسی تعداد رشته و گروه‌های آموزشی دانشگاه‌های مورد مطالعه، اطلاعات تعداد رشته و گروه ۲۳ دانشکده از ۳ دانشگاه غیر ایرانی منتخب و ۹۵ دانشکده ایرانی از ۴ دانشگاه منتخب ایرانی و جمعاً ۱۱۸ دانشکده بررسی و تحلیل شد. پژوهش با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی تدوین و برای اجرای آن از طرح پژوهش غیر آزمایشی استفاده شده است. پژوهشگران علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونگی بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن پرداخته‌اند. پژوهشگران دخالتی در موقعیت، وضعیت و نقش متغیرها نداشته‌اند، آن‌ها را دست کاری یا کنترل نکرده و صرفاً آنچه را وجود دارد مطالعه کرده و توصیف، تشریح، تحلیل و نقد کرده‌اند. پاسخ به سؤال اول پژوهش: ساختار سازمانی دانشگاه‌های ایرانی در مقایسه با دانشگاه‌های غیر ایرانی از نظر نوع تقسیم‌بندی چگونه است؟

در جدول ۱، تقسیم‌بندی و تعداد دانشکده‌ها، تعداد پست‌های مدیریتی و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های مورد مطالعه ارائه شده است (دانشگاه تهران، ۱۴۰۰ الف؛ دانشگاه تهران، ۱۴۰۰ ب؛ دانشگاه مازندران، ۱۴۰۰ ج؛ دانشگاه مازندران، ۱۴۰۰ د؛ دانشگاه مازندران، ۱۴۰۰ ب؛ دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۴۰۰ الف؛ دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۴۰۰ ب؛ دانشگاه شهید بهشتی، ۱۴۰۰ الف؛ دانشگاه شهید بهشتی، ۱۴۰۰ ب؛ دانشگاه شهید بهشتی، ۱۴۰۰ ج؛ دانشگاه شهید بهشتی، ۱۴۰۰ د).

جدول ۱. تقسیم‌بندی و اسامی دانشکده‌ها، تعداد پست‌های مدیریتی و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های مورد مطالعه

نام دانشگاه	تقسیم‌بندی دانشکده‌ها و دانشکده‌ها	نام دانشکده	تعداد پست‌های مدیریتی	تعداد هیئت علمی
دانشگاه تهران	هیئت‌رئیس دانشگاه تهران		۱۲	-
	هیئت‌رئیس دانشکده‌ها		۱۰	-
	۱- دانشکده‌ها	۱- دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر	۴	۹۰
	فنی	۲- دانشکده مهندسی صنایع	۴	۱۹
		۳- دانشکده مهندسی عمران	۴	۴۹
		۴- دانشکده مهندسی شیمی	۴	۴۳
		۵- دانشکده مهندسی متالورژی و مواد	۳	۳۴
		۶- دانشکده محیط‌زیست	۴	۴۵
		۷- دانشکده مهندسی معدن	۴	۲۵
		۸- دانشکده مهندسی مکانیک	۶	۵۹
		۹- دانشکده مهندسی نقشه‌برداری و اطلاعات مکانی	۴	۲۰
		۱۰- دانشکده علوم مهندسی	۳	۲۳
		۱۱- دانشکده فنی فومن	۳	۱۱
		۱۲- دانشکده فنی کاسپین	۳	۱۲
	۲- دانشکده‌ها	دانشکده‌ها ابوریحان	۱۱	۶۹
	۳- دانشکده دامپزشکی		۸	۹۴
	۴- دانشکده‌ها	هیئت‌رئیس دانشکده‌ها علوم	۶	-
	علوم	دانشکده ریاضی، آمار و علوم کامپیوتر	۳	۳۱
		دانشکده زمین‌شناسی	۳	۲۳
		دانشکده زیست‌شناسی	۳	۳۴
		دانشکده شیمی	۳	۴۶
		دانشکده فیزیک	۴	۳۱
	۵- دانشکده‌ها	هیئت‌رئیس دانشکده‌ها هنرهای زیبا	۶	-
	هنرهای زیبا	دانشکده شهرسازی	۲	۱۴
		دانشکده معماری	۳	۳۶
		دانشکده هنرهای تجسمی	۳	۲۱
		دانشکده هنرهای نمایشی و موسیقی	۳	۲۷
	۶- علوم انسانی	۱- دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی	۵	۶۲

نام دانشگاه	تقسیم‌بندی دانشکده‌ها	نام دانشکده	تعداد پست‌های مدیریتی	تعداد هیئت‌علمی
		۲- دانشکده ادبیات و علوم انسانی	۴	۹۲
		۳- دانشکده الهیات و معارف اسلامی	۵	۵۵
		۴- دانشکده حقوق و علوم سیاسی	۵	۱۱۳
		۵- دانشکده مطالعات جهان	۴	۲۱
		۶- دانشکده معارف و اندیشه اسلامی	۳	۲۲
		۷- دانشکده علوم و فنون نوین	۴	۸۲
		۸- دانشکده‌های کشاورزی و منابع طبیعی	۱۷	۲۳۲
		دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی		
		دانشکده منابع طبیعی		
		دانشکده علوم و مهندسی کشاورزی		
		دانشکده مهندسی و فناوری کشاورزی		
۹- دانشکده‌ها	هیئت‌رئیس دانشکده‌ها	فارابی	۶	-
		دانشکده الهیات	۳	۴۲
		دانشکده حقوق	۳	۳۰
		دانشکده مدیریت و حسابداری	۳	۴۰
		دانشکده مهندسی	۲	۷
۱۰- علوم		دانشکده اقتصاد	۶	۳۳
اجتماعی و رفتاری		دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی	۴	۳۵
		دانشکده جغرافیا	۶	۵۲
		دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی	۶	۴۶
		دانشکده علوم اجتماعی	۵	۶۴
		دانشکده کارآفرینی	۴	۳۲
		دانشکده مدیریت	۵	۷۲
۱۱- پردیس‌های منطقه‌ای	پردیس‌های	پردیس البرز	۴	۷
		پردیس بین‌المللی ارس	۳	اعلام‌نشده
		پردیس بین‌المللی کیش	۵	۹
دانشگاه شهید بهشتی	هیئت‌رئیس شهید بهشتی		۶	-
بهشتی		۱- دانشکده‌های	۳	۸۷
		دانشکده ادبیات و علوم انسانی		
		دانشکده حقوق	۲	۵۱
		دانشکده الهیات و ادیان	۳	۲۷
		دانشکده مدیریت و حسابداری	۳	۴۱

نام دانشگاه	تقسیم‌بندی دانشکده‌ها و دانشکده‌ها	نام دانشکده	تعداد پست‌های مدیریتی	تعداد هیئت علمی
۲- دانشکده‌های علوم اجتماعی و رفتاری	دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی	۳	۴۷	
	دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی	۳	۳۳	
	دانشکده علوم ورزشی و تندرستی	۳	۲۳	
۳- دانشکده‌های علوم پایه	دانشکده علوم زمین	۳	۵۰	
	دانشکده علوم ریاضی	۳	۴۵	
	دانشکده علوم و فناوری زیستی	۳	۴۲	
	دانشکده علوم شیمی و نفت	۳	۲۵	
	دانشکده فیزیک	۳	۲۵	
۴- دانشکده‌های فنی مهندسی	دانشکده معماری و شهرسازی	۳	۴۶	
	دانشکده فناوری‌های نوین و مهندسی هوا فضا	۳	۱۸	
	دانشکده مهندسی هسته‌ای	۳	اطلاعات موجود نیست	
	دانشکده مهندسی برق (الکترونیک - مخابرات)	۳	۳۰	
	دانشکده مهندسی برق (کنترل - قدرت)	۳	۲۸	
	دانشکده مهندسی و علوم کامپیوتر	۳	۲۶	
	دانشکده مهندسی عمران، آب و محیط‌زیست	۳	۴۷	
	دانشکده مهندسی مکانیک و انرژی	۳	۴۹	
	هیئت‌رئیس دانشگاه فردوسی مشهد	۸	-	
	دانشگاه فردوسی مشهد	دانشکده ادبیات و علوم انسانی	۵	۹۷
دانشکده الهیات و معارف اسلامی		۲	۵۸	
دانشکده دامپزشکی		۳	۵۰	
دانشکده حقوق و علوم سیاسی		۳	۲۷	
دانشکده علوم		۳	۹۱	
دانشکده علوم اداری و اقتصادی		۳	۵۰	
دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی		۳	۴۰	
دانشکده علوم ریاضی		۳	۴۳	
دانشکده علوم ورزشی		۳	۲۴	
دانشکده کشاورزی		۴	۱۱۶	
دانشکده معماری و شهرسازی	۳	۱۰		

نام دانشگاه	تقسیم‌بندی دانشکده‌ها و دانشکده‌ها	نام دانشکده	تعداد پست‌های مدیریتی	تعداد هیئت‌علمی
		دانشکده منابع طبیعی و محیط‌زیست	۲	۱۷
		دانشکده مهندسی	۴	۱۸۲
دانشگاه مازندران		هیئت‌رئیس دانشگاه مازندران	۹	-
		دانشکده الهیات و معارف اسلامی	۴	۲۸
		دانشکده حقوق و علوم سیاسی	۴	۳۳
		دانشکده شیمی	۴	۳۰
		دانشکده علوم اقتصادی و اداری	۴	۴۰
		دانشکده علوم انسانی و اجتماعی	۴	۸۰
		دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی	۴	۲۰
		دانشکده علوم ریاضی	۴	۳۲
		دانشکده علوم پایه	۴	۴۹
		دانشکده علوم دریایی و محیطی	۴	۸
		دانشکده فنی و مهندسی	۴	۳۹
		دانشکده میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری	۴	۱
		دانشکده هنر و معماری	۴	۳۰
		دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی	۴	اعلام‌نشده

بر اساس داده‌های ارائه‌شده در جدول ۱، دانشگاه تهران دارای ۴۸ دانشکده، ۶ دانشکده‌گان (دانشکده‌گان فنی، دانشکده‌گان ابوریحان، دانشکده‌گان علوم، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشکده‌گان کشاورزی و منابع طبیعی، دانشکده‌گان فارابی) ۳ پردیس خودگردان و بین‌المللی (پردیس البرز، پردیس بین‌المللی ارس، پردیس بین‌المللی کیش) و ۱۶ مرکز پژوهشی و تحقیقاتی است. ۱۶۲ گروه آموزشی درون ۴۸ دانشکده دانشگاه تهران تعریف شده است. بررسی تقسیم‌بندی دانشگاه فردوسی مشهد حاکی از آن است که دانشگاه فردوسی مشهد ۱۴ دانشکده دارد که ۶۳ گروه آموزشی درون این دانشکده‌ها تعریف شده‌اند. تعداد ۲۰ دانشکده دانشگاه شهید بهشتی، در چهار بخش (دانشکده‌های علوم انسانی، دانشکده‌های علوم اجتماعی و رفتاری، دانشکده‌های علوم پایه و دانشکده‌های فنی مهندسی) طبقه‌بندی شده‌اند که درون ۲۰ دانشکده آن ۷۷ گروه آموزشی تعریف شده است و دانشگاه مازندران با ۱۳ دانشکده دارای ۶۱ گروه آموزشی است. بررسی تقسیمات دانشگاهی دانشگاه‌های ایرانی مؤید آن است که

به طور کلی دانشگاه‌های ایرانی از الگوی مشابهی پیروی می‌کنند. بدین صورت که دانشگاه به تعدادی دانشکده تقسیم‌بندی می‌گردد و درون دانشکده‌ها نیز تعدادی گروه تعریف شده است. دانشگاه MIT دارای ۶ دانشکده است که تحت عنوان مدرسه (School) نام‌گذاری شده‌اند. درون این مدرسه‌ها ۳۵ گروه^۱ تعریف شده است. تقسیمات دانشگاهی دانشگاه MIT در شکل ۱ ارائه شده است (MIT, 2022).

شکل ۱. تقسیمات دانشگاهی دانشگاه MIT (MIT, 2022).



تقسیمات دانشگاه در دانشگاه آکسفورد با دیگر دانشگاه‌ها متفاوت است و از تقسیم‌بندی سلسله‌مراتبی دانشکده (Faculty) و تعریف گروه‌های آموزشی درون دانشکده‌ها پیروی نمی‌کند. در دانشگاه آکسفورد دارای چهار بخش آکادمیک^۲: ۱- بخش علوم انسانی^۳،

1. departments
2. academic divisions
3. humanities division

۲- بخش ریاضی، فیزیک و علوم زیستی^۱، ۳- بخش علوم پزشکی^۲، ۴- بخش علوم اجتماعی^۳ تعریف شده است. دانشکده‌ها، گروه‌ها، بنیاد^۴، مدرسه^۵، پارک علمی، مؤسسات^۶ و مراکز^۷ آموزشی بسته به وسعت و امکانات و شرایط هر واحد آموزشی در این چهار بخش تعریف می‌گردند. ساختار کلی دانشگاه آکسفورد در شکل ۲ ارائه شده است (University of Oxford, 2022a; University of Oxford, 2022d).

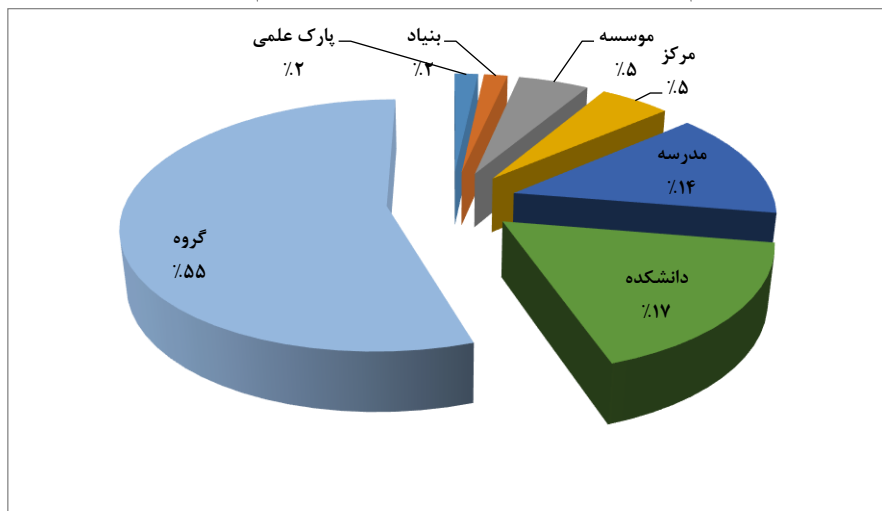
شکل ۲. تقسیم‌بندی دانشگاه آکسفورد (University of Oxford, 2022a; University of Oxford, 2022d).



1. mathematical, physical & life sciences division
2. medical sciences division
3. social sciences division
4. foundation
5. school
6. institute
7. center

دانشگاه آکسفورد دارای ۵۸ بخش مختلف است که از این ۵۸ بخش، ۱۰ بخش دانشکده، ۳۲ گروه، ۸ مدرسه، ۳ مرکز آموزشی و تحقیقاتی، ۳ موسسه، ۱ بنیاد و ۱ پارک علمی به خود اختصاص داده‌اند. به عبارتی گروه‌ها در داخل دانشکده‌ها قرار نگرفته‌اند و همگی در یک سطح و در کنار هم و بدون ساختار سلسله‌مراتبی قرار گرفته‌اند. مقایسه سهم تعداد هر یک از این بخش‌ها با یکدیگر در تقسیم‌بندی ساختار دانشگاه آکسفورد در شکل ۳ ارائه شده است.

شکل ۳. سهم هر یک از بخش‌های دانشگاه آکسفورد در تقسیم‌بندی‌های دانشگاه



دانشگاه استنفورد دارای ۷۰ گروه است که در ۷ دانشکده تحت عنوان مدرسه (School) طبقه‌بندی شده‌اند. نکته جالب این که در ۳ دانشکده حقوق، کسب و کار و علوم تربیتی از ۷ دانشکده استنفورد هیچ گروه آموزشی تعریف نشده است. ساختار کلی دانشگاه استنفورد در شکل ۴ ارائه شده است.

شکل ۴. تقسیم‌بندی دانشگاه استنفورد (Stanford University, 2022c)



مقایسه تقسیم‌بندی دانشگاه استنفورد با دانشگاه‌های ایرانی نشان‌دهنده آن است بسیاری از دانشکده‌هایی که در ایران تعریف شده‌اند در دانشگاه استنفورد به صورت گروه تعریف شده‌اند و کلیه رشته‌های مهندسی در استنفورد در دانشکده مهندسی تعریف شده‌اند و شاخه‌های مختلف مهندسی در گروه‌های آموزشی تعریف شده‌اند. کلیه رشته‌های علوم پایه، هنر، زبان، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، روانشناسی، اقتصاد، ادبیات و غیره در گروه‌ها یا دپارتمان‌های مختلف دانشکده علوم انسانی و علوم قرار تعریف شده‌اند و ساختار تعریف شده

در استنفورد در مقایسه با دانشگاه‌های ایرانی به صورت غیرمتمرکز و مسطح بوده و ساختار حالت سلسله‌مراتبی تعداد زیادی دانشکده (۴۸ دانشکده در دانشگاه تهران) و تعریف گروه‌ها به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از دانشکده‌ها را ندارد و به‌نوعی گروه‌های مختلف در حوزه‌های مختلف هنر، علوم پایه، علوم انسانی و غیره به صورت مستقل در کنار هم در یک دانشکده علوم انسانی و علوم فعالیت می‌کنند.

پاسخ به سؤال دوم پژوهش: تعداد پست‌های مدیریتی تعریف شده در چارت دانشگاه‌های ایران در مقایسه با دانشگاه‌های غیر ایرانی چگونه است؟

در جدول ۲، تعداد دانشجویان، تعداد کل اعضای هیئت علمی، پست‌های مدیریتی تعداد کارمند دانشگاه‌های مورد مطالعه ایرانی و غیر ایرانی در پژوهش ارائه شده است.

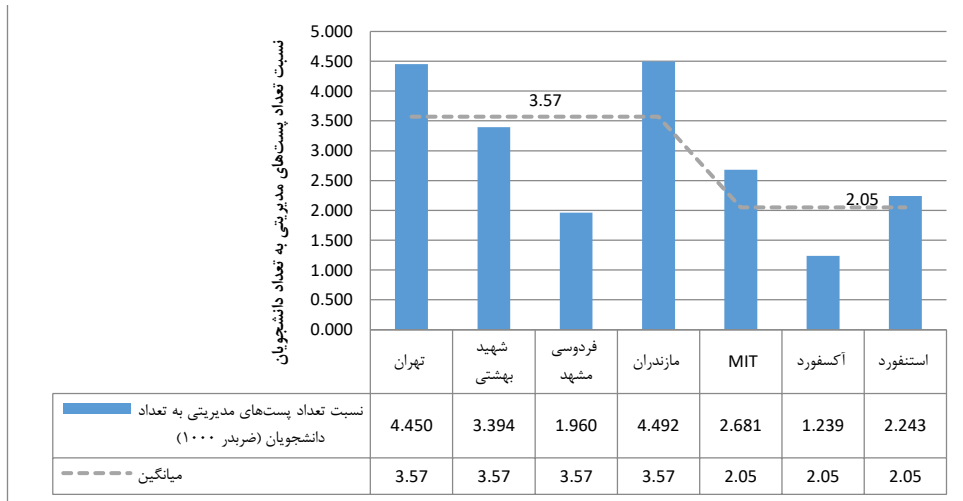
جدول ۲. تعداد دانشجویان، تعداد پست‌های مدیریتی، نسبت تعداد پست‌های مدیریتی به دانشجو، تعداد اعضای هیئت علمی، تعداد کارمند، دانشگاه‌های مورد مطالعه در پژوهش

ردیف	نام دانشگاه	تعداد دانشجویان	تعداد اعضای هیئت علمی	تعداد پست‌های مدیریتی	تعداد کارکنان اداری	تعداد دانشکده
۱	دانشگاه تهران	۵۳۴۸۸	۲۰۴۱	۲۳۸	۴۱۳	۴۸
۲	دانشگاه شهید بهشتی	۱۹۱۵۳	۱۲۹۰	۶۵	۸۴۱	۲۰
۳	دانشگاه فردوسی مشهد	۲۵۰۰۰	۸۰۵	۴۹	۶۸۵	۱۴
۴	دانشگاه مازندران	۱۳۵۸۰	۳۹۵	۶۱	۳۸۰	۱۳
۵	دانشگاه MIT ^۱	۱۱۹۳۴	۱۶۸۴	۳۲	۹۱۹۸	۶
۶	دانشگاه آکسفورد	۲۵۸۲۰	۱۹۰۰	۳۲	۱۴۶۶۷	۱۰
۷	دانشگاه استنفورد	۱۵۱۵۷	۲۲۷۹	۳۴	۱۲۵۰۸	۷

جهت بررسی و ترسیم وضعیت تعداد پست‌های مدیریتی تعریف شده در چارت سازمانی دانشگاه‌های ایرانی در مقایسه با دانشگاه‌های غیر ایرانی، نسبت تعداد پست‌های مدیریتی تعریف شده در چارت سازمانی دانشگاه‌های مورد مطالعه نسبت به تعداد دانشجویان، تعداد کارمندان اداری و تعداد اعضای هیئت علمی بررسی و نتایج آن در شکل‌های ۵ و ۶ ارائه شده است. در شکل ۵، نسبت تعداد پست‌های مدیریتی به تعداد دانشجویان دانشگاه‌های مورد مطالعه ارائه شده است.

1. The Massachusetts Institute of Technology

شکل ۵. نسبت تعداد پست‌های مدیریتی به تعداد دانشجویان (ضریب ۱۰۰۰) دانشگاه‌های مورد مطالعه



بر اساس یافته‌های پژوهش، دانشگاه مازندران و پس از آن دانشگاه تهران بیشترین نسبت تعداد پست‌های مدیریتی به تعداد دانشجویان را در بین دانشگاه‌های مورد مطالعه دارند. میانگین نسبت تعداد مدیران به دانشجویان برای دانشگاه‌های ایرانی ۳/۵۷ و در دانشگاه‌های غیر ایرانی مورد مطالعه ۲/۰۵۵ است. از بین دانشگاه‌های ایرانی مورد مطالعه، دانشگاه فردوسی مشهد کمترین میزان نسبت تعداد مدیر نسبت به دانشجویان (۱/۹۶) را دارد و نزدیک به مقدار متوسط دانشگاه‌های غیر ایرانی است. در شکل ۶، نسبت تعداد پست‌های مدیریتی به اعضای هیئت علمی و همچنین کارمندان اداری دانشگاه‌های مورد مطالعه ارائه شده است.

شکل ۶. نسبت تعداد پست‌های مدیریتی به تعداد کارمندان اداری و اعضای هیئت‌علمی (ضربدر ۱۰۰) دانشگاه‌های مورد مطالعه



تحلیل یافته‌های پژوهش مؤید آن است که به‌طور کلی تعداد پست‌های مدیریتی نسبت به کارمندان اداری در دانشگاه‌های ایرانی بسیار بیشتر از دانشگاه‌های غیر ایرانی است. متوسط این مقدار در دانشگاه‌های غیر ایرانی، ۰/۲۸ و در دانشگاه‌های ایرانی مورد مطالعه (۲۲/۱۴) و حدود ۸۰ برابر این نسبت در دانشگاه‌های غیر ایرانی است. به‌عبارت‌دیگر متوسط تعداد مدیران دانشگاهی نسبت به کارمندان دانشگاه‌های ایرانی مورد مطالعه حدود ۸۰ برابر دانشگاه‌های غیر ایرانی پژوهش است. دانشگاه تهران دارای بیشترین نسبت مدیر به کارمند در بین دانشگاه‌های مورد مطالعه است. تعداد مدیران نسبت به کارمندان اداری در دانشگاه تهران حدود ۲۰۵ برابر، شهید بهشتی ۲۷ برابر، فردوسی مشهد ۲۵ برابر و دانشگاه مازندران ۵۷ برابر میانگین دانشگاه‌های غیر ایرانی مورد مطالعه است. در میان دانشگاه‌های ایرانی مورد مطالعه، دانشگاه فردوسی مشهد و پس‌از آن شهید بهشتی دارای پایین‌ترین نسبت پست‌های مدیریتی به کارمندان اداری بوده و دانشگاه تهران و پس‌از آن دانشگاه مازندران

دارای بالاترین میزان تعداد مدیر نسبت کارمندان اداری می‌باشند. این نسبت در دانشگاه‌های غیر ایرانی بسیار نزدیک به هم است.

بر اساس نتایج پژوهش، به‌طور کلی نسبت پست‌های مدیریتی به اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های ایرانی نیز بسیار بالاتر از این نسبت در دانشگاه‌های غیر ایرانی است. متوسط این نسبت در دانشگاه‌های غیر ایرانی مورد مطالعه ۱/۶۹ و در دانشگاه‌های ایرانی ۹/۵۶ است؛ به عبارت دیگر، میانگین نسبت تعداد مدیران به اعضای هیئت علمی در دانشگاه‌های ایرانی مورد مطالعه ۵/۷ برابر این نسبت در دانشگاه‌های غیر ایرانی است. در بین دانشگاه‌های ایرانی مورد مطالعه دانشگاه فردوسی مشهد و شهید بهشتی وضعیت مناسب‌تری در این نسبت، در مقایسه با دیگر دانشگاه‌های ایرانی مطالعه شده در پژوهش داشته و در چارت سازمانی دانشگاه مازندران، بیشترین نسبت تعداد مدیر به اعضای هیئت علمی در میان کلیه دانشگاه‌های ایرانی و غیر ایرانی مطالعه شده در پژوهش تعریف شده است. نسبت پست‌های مدیریتی به اعضای هیئت علمی در دانشگاه‌های غیر ایرانی اختلاف زیادی با یکدیگر ندارند.

تحلیل نتایج بخش کیفی پژوهش مؤید آن است که در تعریف پست‌های مدیریتی نسبت به تعداد اعضای هیئت علمی در دانشکده‌های مختلف دانشگاه تهران نیز عدم هماهنگی وجود دارد. به‌عنوان مثال دانشکده معدن با ۷ پست مدیریتی، تنها ۲۵ عضو هیئت علمی داشته و دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر با ۴ پست مدیریتی ۹۰ عضو هیئت علمی دارد. تعداد پست‌های مدیریتی دانشکده‌های دانشگاه تهران نیز از الگوی یکسانی تبعیت نمی‌کند. تعداد پست‌های مدیریتی در دانشکده‌های مختلف دانشگاه تهران ۲ (دانشکده شهرسازی)، ۳ (دانشکده متالورژی و مواد، علوم مهندسی، فنی فومن، فنی کاسپین، دانشکده ریاضی، آمار و علوم کامپیوتر، دانشکده زمین‌شناسی، دانشکده زیست‌شناسی، معماری، هنرهای تجسمی، هنرهای نمایشی و موسیقی)، ۴ (مهندسی برق و کامپیوتر، مهندسی صنایع، مهندسی عمران، شیمی، محیط‌زیست، معدن، نقشه‌برداری، فیزیک، ادبیات و علوم انسانی، مطالعات جهان)، ۵ (دانشکده مدیریت، علوم اجتماعی، حقوق و علوم سیاسی، الهیات و معارف اسلامی، زبان و ادبیات خارجی)، ۶ (مهندسی مکانیک، اقتصاد، جغرافیا، روانشناسی و علوم تربیتی) تا ۸ (دانشکده دامپزشکی) پست مدیریتی متغیر است. تعداد اعضای هیئت علمی و پست‌های مدیریتی در دانشکده‌های مختلف از الگوی مشخصی پیروی نمی‌کنند. بررسی پست‌های مدیریتی تعریف شده مؤید آن است که حتی در دانشکده‌هایی که تعداد پست‌های مدیریتی

یکسانی تعریف شده است، تقسیم‌بندی و معاونت‌ها متفاوت است و از الگوی مشخصی پیروی نمی‌کند. به‌عنوان مثال در دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر دانشگاه تهران، چهار پست مدیریتی (ریاست دانشکده، معاون اداری و مالی، معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی و معاون آموزشی) و در دانشکده مهندسی عمران چهار پست مدیریتی به‌صورت معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی، معاون پژوهشی، معاون اداری و مالی تعریف شده است. یا در دانشکده مهندسی صنایع در کنار معاونت‌های آموزشی و تحصیلات تکمیلی و معاونت پژوهشی، معاونت کیفیت تعریف شده است و معاونت اداری و مالی تعریف نشده است. در دانشکده مواد و متالورژی سه پست مدیریتی (ریاست دانشکده و دو معاونت پژوهشی و معاونت آموزش و تحصیلات تکمیلی تعریف شده در حالی که دانشکده فنی فومن با همین تعداد پست مدیریتی، هیئت‌رئیس شامل ریاست دانشکده، معاون اجرایی و معاون علمی است. در دانشکده دامپزشکی پست‌های مدیریتی به‌صورت: معاونت اداری و مالی و آموزشی و تحصیلات تکمیلی، معاونت پژوهش و فناوری، معاون امور دانشجویی و فرهنگی تعریف شده و علاوه بر آن سه نفر از روسای بیمارستان‌های و مراکز تحقیقاتی دامپزشکی نیز در هیئت‌رئیس دانشگاه وجود دارند و در دانشکده شهرسازی با دو پست مدیریتی تنها یک معاونت آموزشی، پژوهشی و تحصیلات عالی در کنار پست مدیریتی ریاست دانشکده تعریف شده است.

شهید بهشتی دارای ۲۰ دانشکده است که در چهار دسته: دانشکده‌های علوم انسانی (۳ دانشکده)، دانشکده‌های علوم اجتماعی و رفتاری (۴ دانشکده)، دانشکده‌های علوم پایه (۵ دانشکده) و دانشکده‌های فنی مهندسی (۸ دانشکده) تقسیم‌بندی شده‌اند. بررسی کیفی پست‌های مدیریتی تعریف شده در دانشکده‌های دانشگاه شهید بهشتی حاکی از آن است که هیئت‌رئیس کلیه دانشکده‌ها به‌صورت ریاست دانشکده، معاونت آموزشی و معاونت پژوهشی تعریف شده است و همگی از الگوی یکسانی تبعیت می‌کنند و در هر دانشکده ۳ پست مدیریتی بدین‌صورت تعریف شده است و منظم‌ترین الگو را از نظر تعداد و عناوین پست‌های مدیریتی در بین دانشگاه‌های ایرانی مورد مطالعه دارد.

دانشگاه فردوسی مشهد ۱۳ دانشکده دارد. تعداد پست‌های مدیریتی دانشکده‌های دانشگاه فردوسی مشهد از ۲ تا ۵ پست مدیریتی متغیر است. بررسی عمیق‌تر عناوین پست‌های مدیریتی تعریف شده در دانشکده‌ها نشان‌دهنده تنوع تعاریف پست‌های مدیریتی در

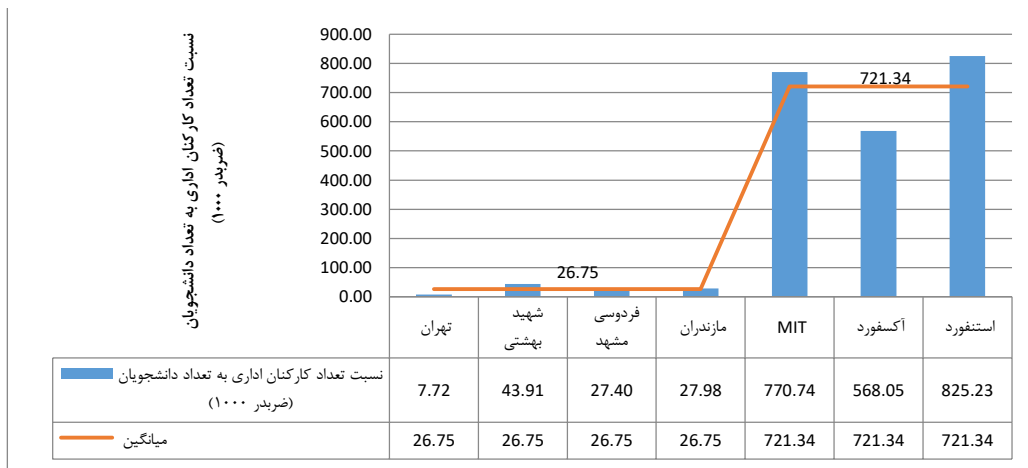
دانشکده‌های مختلف دانشگاه فردوسی مشهد است. به‌عنوان مثال در هیئت‌رئیس دانشکده الهیات و معارف اسلامی و دانشکده منابع طبیعی و محیط‌زیست تنها دو پست مدیریتی ریاست دانشکده و معاون دانشگاه، دانشکده دامپزشکی: ۳ پست مدیریتی (ریاست دانشکده، معاون پشتیبانی و توسعه منابع و معاونت آموزشی) دارد که ترکیب هیئت‌رئیس آن با دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران که ۳ نفر از روسای بیمارستان‌ها و مراکز تحقیقاتی وابسته به دانشکده در هیئت‌رئیس تعریف شده‌اند، متفاوت است. دانشکده کشاورزی و دانشکده مهندسی با ۴ پست مدیریتی (ریاست دانشکده، معاون پشتیبانی و توسعه منابع، معاونت پژوهش و فناوری و معاونت آموزشی) و در هیئت‌رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی ۵ پست مدیریتی (رئیس دانشکده، معاون آموزشی و فرهنگی، معاون پژوهش و فناوری، معاون پشتیبانی و توسعه منابع و مدیر امور عمومی تعریف شده است.

بررسی کیفی اطلاعات ساختار سازمانی دانشگاه مازندران مؤید آن است که دانشگاه مازندران ۱۳ دانشکده دارد. هرکدام از دانشکده‌ها ۴ پست مدیریتی داشته که برخلاف دانشگاه شهید بهشتی عناوین معاونت‌ها و پست‌های مدیریتی تعریف شده در هیئت‌رئیس در دانشکده‌های مختلف بعضاً با یکدیگر متفاوت است. دانشکده الهیات و معارف اسلامی (رئیس دانشکده، معاونت آموزشی، معاونت پژوهشی، معاونت فرهنگی)، دانشکده حقوق و علوم سیاسی (رئیس دانشکده، معاونت پژوهشی و فرهنگی، معاونت آموزشی و دانشجویی، مدیر امور اداری)، دانشکده شیمی (رئیس دانشکده، معاونت آموزشی و دانشجویی، معاونت پژوهشی، مدیر امور عمومی)، دانشکده علوم اقتصادی و اداری (رئیس دانشکده، معاونت آموزشی و دانشجویی، معاونت پژوهشی، فناوری و فرهنگی، مدیریت اداری) و... در دانشگاه مازندران علاوه بر تعریف سه عضو در هیئت‌رئیس (دو معاونت و یک رئیس دانشکده) معاونت‌ها، یک پست مدیریتی تحت عنوان رئیس اداره امور عمومی (مدیر امور اداری یا مدیر امور عمومی/مدیریت اداری) به‌عنوان پست مدیریتی تعریف شده است که به نظر می‌رسد یکی از علت‌های بالاتر بودن تعداد پست‌های مدیریتی در دانشگاه مازندران حاصل از نتایج بخش کمی پژوهش می‌تواند همین تعریف پست مدیریتی اضافه در کنار ترکیب هیئت‌رئیس دانشکده‌های دانشگاه مازندران باشد.

پاسخ به سؤال سوم پژوهش: تعداد کارمندان اداری تعریف شده در چارت دانشگاه‌های ایران در مقایسه با دانشگاه‌های غیر ایرانی به چه صورت است؟

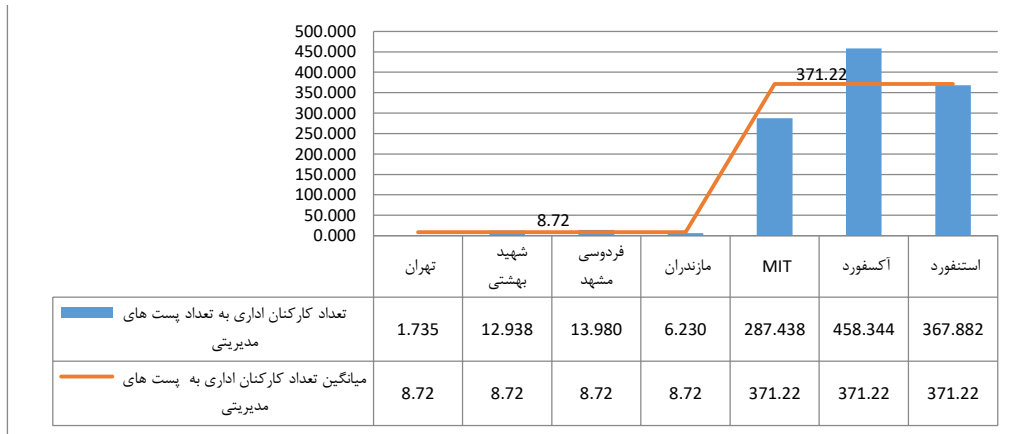
جهت بررسی و ترسیم وضعیت تعداد کارمندان اداری تعریف شده در چارت سازمانی دانشگاه‌های ایرانی در مقایسه با دانشگاه‌های غیر ایرانی، نسبت تعداد کارمندان اداری تعریف شده در چارت سازمانی دانشگاه‌های مورد مطالعه نسبت به تعداد دانشجویان، تعداد کارمندان اداری و تعداد اعضای هیئت علمی بررسی و نتایج آن در شکل‌های ۳، ۴ و ۵ ارائه شده است. نسبت تعداد کارکنان اداری به تعداد دانشجویان دانشگاه‌های مورد مطالعه، در شکل ۷ ارائه شده است.

شکل ۷. نسبت تعداد کارکنان اداری به تعداد دانشجویان (ضربدر ۱۰۰۰) دانشگاه‌های مورد مطالعه



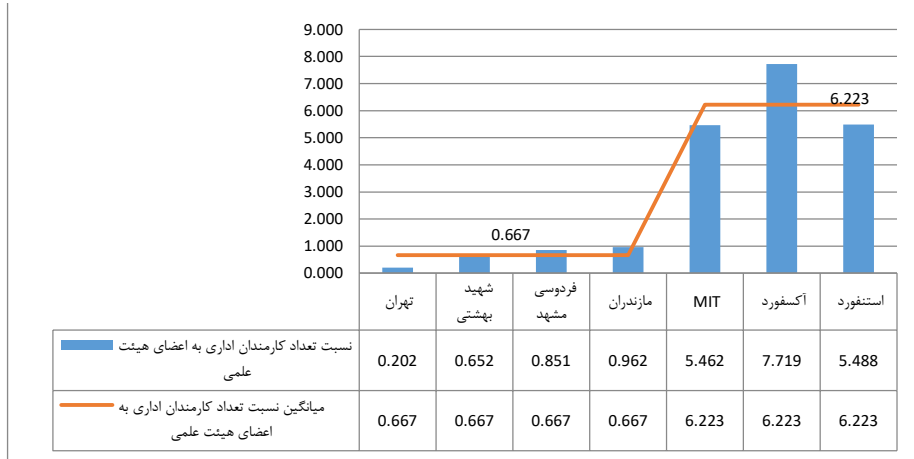
بر اساس یافته‌های پژوهش، میانگین تعداد کارکنان اداری به تعداد دانشجویان (ضربدر ۱۰۰۰) دانشگاه‌های غیر ایرانی ۷۲۱/۳۳ و مقدار آن در دانشگاه‌های ایرانی ۲۶/۷۵ است. تحلیل یافته‌های پژوهش مؤید آن است که به طور کلی تعداد کارمندان اداری نسبت به تعداد دانشجویان دانشگاه‌های ایرانی بسیار پایین تر از مقادیر مشابه در دانشگاه‌های بین‌المللی است. در بین دانشگاه‌های ایرانی مورد مطالعه، دانشگاه شهید بهشتی دارای بالاترین و دانشگاه تهران دارای کمترین تعداد کارمند اداری نسبت به تعداد دانشجویان در بین دانشگاه‌های ایرانی مورد مطالعه است. در شکل ۸ نسبت تعداد کارکنان اداری به تعداد پست‌های مدیریتی دانشگاه‌های مورد مطالعه ارائه شده است.

شکل ۸. نسبت تعداد کارکنان اداری به تعداد پست‌های مدیریتی دانشگاه‌های مورد مطالعه



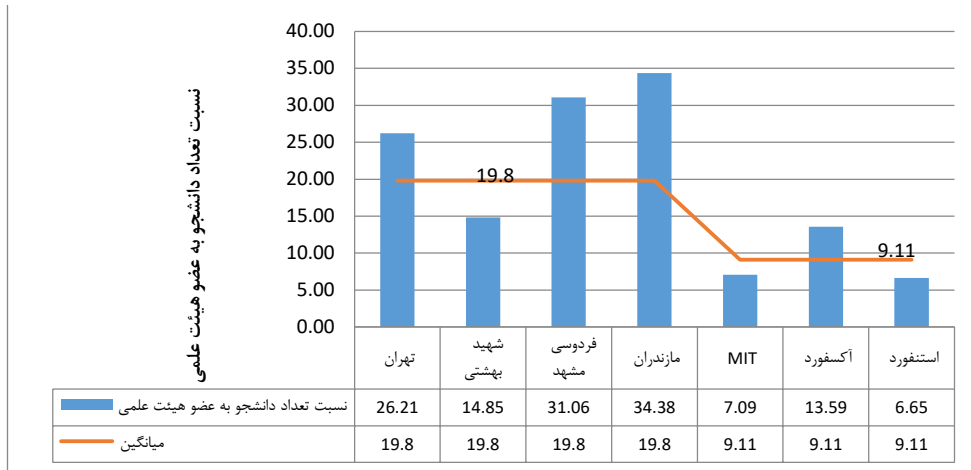
نتایج پژوهش مؤید آن است که به‌طور کلی تعداد کارکنان اداری هم نسبت به تعداد دانشجویان، هم نسبت به تعداد مدیران در دانشگاه‌های ایرانی بسیار پایین‌تر از مقادیر مشابه در دانشگاه‌های ایرانی است. دانشگاه تهران و پس از آن دانشگاه مازندران دارای کمترین نسبت کارمند به مدیر بوده و دانشگاه فردوسی مشهد و پس از آن دانشگاه شهید بهشتی دارای بهترین وضعیت از نظر تعداد کارمند به دانشجو در بین دانشگاه‌های ایرانی مورد مطالعه می‌باشند. میانگین نسبت تعداد کارکنان اداری نسبت به تعداد مدیران دانشگاه‌های غیر ایرانی حدود ۴۳ برابر (۴۲/۵۷) نسبت مشابه در دانشگاه‌های ایرانی است. در بین دانشگاه‌های غیر ایرانی آکسفورد دارای بالاترین و استنفورد دارای پایین‌ترین نسبت تعداد کارکنان اداری نسبت به تعداد مدیران می‌باشند. در شکل ۹ نسبت تعداد کارکنان اداری به تعداد اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های مورد مطالعه ارائه شده است.

شکل ۹. نسبت تعداد کارکنان اداری به تعداد اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های مورد مطالعه



نتایج پژوهش مؤید آن است که به‌طور کلی نسبت تعداد کارمندان اداری به اعضای هیئت علمی در دانشگاه‌های غیر ایرانی بسیار بالاتر از نسبت مشابه در دانشگاه‌های ایرانی مورد مطالعه در پژوهش است. میانگین نسبت تعداد کارمندان اداری به اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های غیر ایرانی ۹/۳۲ برابر دانشگاه‌های ایرانی است. در بین دانشگاه‌های ایرانی مورد مطالعه، دانشگاه مازندران و پس از آن فردوسی مشهد بالاترین نسبت تعداد کارمندان اداری به اعضای هیئت علمی را داشته و از این منظر نزدیک‌تر به نسبت مشابه در دانشگاه‌های غیر ایرانی در مقایسه با دیگر دانشگاه‌های ایرانی مورد مطالعه هستند. دانشگاه تهران پایین‌ترین نسبت تعداد کارمندان اداری به اعضای هیئت علمی را در بین کل دانشگاه‌های ایرانی و غیر ایرانی مورد مطالعه در پژوهش را دارا است. در بین دانشگاه‌های مورد مطالعه آکسفورد بالاترین نسبت تعداد کارمند به اعضای هیئت علمی را داشته که میزان این نسبت ۳۸/۲ برابر این نسبت در دانشگاه تهران است. جهت تحلیل جامع‌تر نتایج پژوهش، نسبت دانشجو به استاد در دانشگاه‌های مورد مطالعه در پژوهش نیز بررسی شد. در شکل ۱۰، نسبت تعداد دانشجو به استاد به همراه میانگین آن‌ها در دانشگاه‌های ایرانی و غیر ایرانی مورد مطالعه در پژوهش ارائه شده است.

شکل ۱۰. نسبت تعداد دانشجو به استاد دانشگاه‌های ایرانی و غیر ایرانی مورد مطالعه



بر اساس یافته‌های پژوهش، نسبت دانشجو به استاد در دانشگاه‌های ایرانی بسیار بالاتر از نسبت مشابه در دانشگاه‌های غیر ایرانی است. دانشگاه شهید بهشتی بهترین وضعیت را از این نظر در بین دانشگاه‌های ایرانی پژوهش داشته و دارای پایین‌ترین نسبت استاد به دانشجو در بین دانشگاه‌های مورد مطالعه ایرانی (۱۴/۸۵) بوده و دانشگاه تهران با ۲۶/۲۱ و فردوسی مشهد ۳۴/۳۸ در رتبه‌های بعدی قرار دارند. دانشگاه مازندران با نسبت دانشجو به استاد ۳۴/۳۸ بالاترین نسبت استاد به دانشجو را در بین دانشگاه‌های مورد مطالعه داشته که این مقدار حدود ۳/۸ برابر مقدار متوسط نسبت دانشجو به استاد در دانشگاه‌های غیر ایرانی مورد مطالعه و ۱/۸ برابر متوسط این نسبت در دانشگاه‌های ایرانی است.

پاسخ به سؤال چهارم پژوهش: مقایسه تعداد دانشکده‌ها و تعداد گروه‌های تعریف شده برای دانشگاه‌های ایرانی در مقایسه با دانشگاه‌های غیر ایرانی با توجه به تعداد رشته‌های تحصیلی تعریف شده چگونه است؟

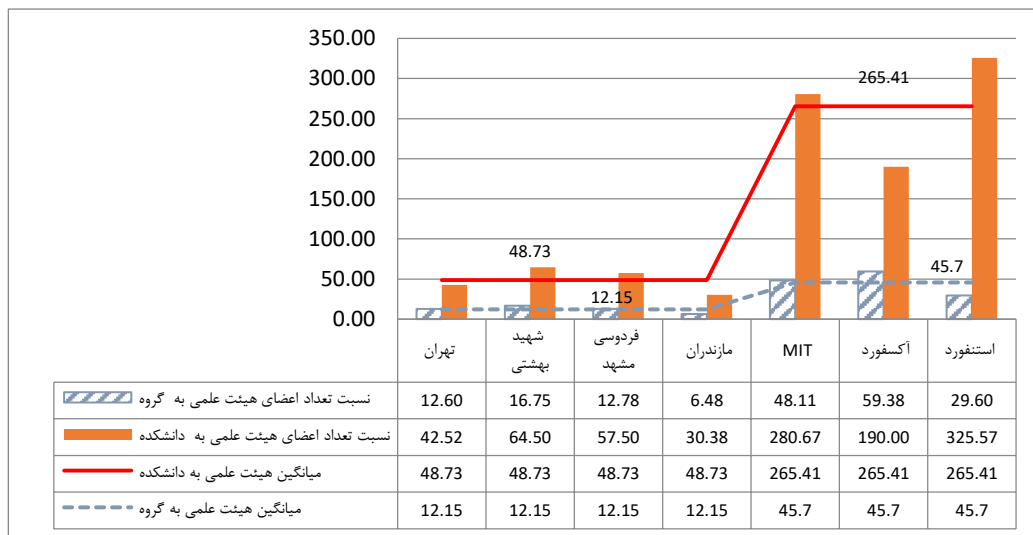
در جدول ۳ تعداد دانشکده، تعداد دانشجویان، تعداد گروه‌های آموزشی، تعداد رشته/مقطع تحصیلی دانشگاه‌های ایرانی و غیر ایرانی مورد مطالعه ارائه شده است.

جدول ۳. نام دانشگاه، تعداد دانشکده، تعداد دانشجویان، تعداد گروه‌های آموزشی، تعداد رشته/مقطع تحصیلی دانشگاه‌های مورد مطالعه

ردیف	نام دانشگاه	تعداد دانشکده	تعداد دانشجویان	تعداد گروه‌های آموزشی	تعداد رشته / مقطع تحصیلی
۱	دانشگاه تهران	۴۸	۵۳۴۸۸	۱۶۲	۱۷۱۴
۲	دانشگاه شهید بهشتی	۲۰	۱۹۱۵۳	۷۷	۳۷۵
۳	دانشگاه فردوسی مشهد	۱۴	۲۵۰۰۰	۶۳	۴۳۵
۴	دانشگاه مازندران	۱۳	۱۳۵۸۰	۶۱	۳۹۵
۵	دانشگاه MIT ^۱	۶	۱۱۹۳۴	۳۵	۱۱۰
۶	دانشگاه آکسفورد	۱۰	۲۵۸۲۰	۳۲	۴۲۱
۷	دانشگاه استنفورد	۷	۱۵۱۵۷	۷۷	۲۰۰

جهت فهم بهتر تقسیم‌بندی دانشگاه‌ها به دانشکده‌ها و گروه‌ها و وسعت و بزرگی گروه‌ها و دانشکده‌ها در دانشگاه‌های ایرانی در مقایسه با دانشگاه‌های غیر ایرانی، نسبت تعداد اعضای هیئت علمی به تعداد گروه‌های آموزشی و همچنین نسبت به تعداد دانشکده در دانشگاه‌های مورد مطالعه، محاسبه و نتایج آن در شکل ۱۱ ارائه شده است.

شکل ۱۱. نسبت تعداد اعضای هیئت علمی به گروه و دانشکده در دانشگاه‌های ایرانی و غیر ایرانی مورد مطالعه



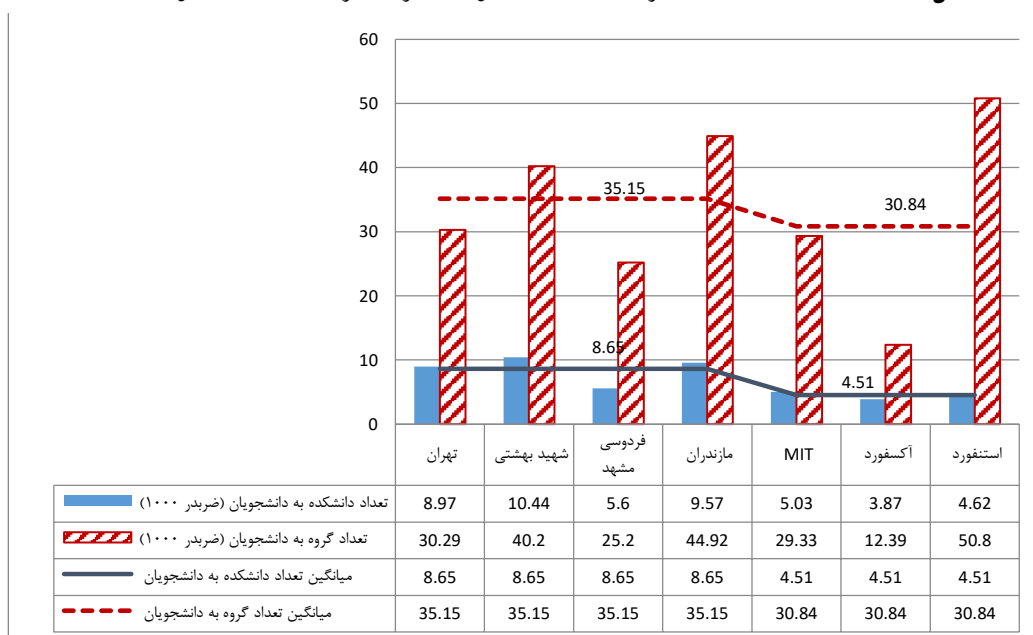
1. The Massachusetts Institute of Technology

نتایج پژوهش مؤید آن است که تعداد اعضای هیئت‌علمی در گروه‌ها و همچنین دانشکده‌ها در دانشگاه‌های غیر ایرانی مورد مطالعه بسیار بیشتر از دانشگاه‌های ایرانی مورد مطالعه در پژوهش است. مقایسه متوسط مقادیر نسبت تعداد اعضای هیئت‌علمی به دانشکده دانشگاه‌های ایرانی و غیر ایرانی مؤید آن است که متوسط تعداد اعضای هیئت‌علمی در دانشکده‌های غیر ایرانی ۵/۴ برابر تعداد اعضای هیئت‌علمی در دانشکده‌های ایرانی است. در میان دانشگاه‌های ایرانی، شهید بهشتی (۶۴/۵) و بعد از آن فردوسی مشهد (۵۷/۵) بیشترین تعداد اعضای هیئت‌علمی را در هر دانشکده در مقایسه با دیگر دانشگاه‌های ایرانی داشته و دانشگاه مازندران (۳۰/۳۸) نیز پایین‌ترین تعداد اعضای هیئت‌علمی در دانشکده را در بین دانشگاه‌های ایرانی و غیر ایرانی مورد مطالعه دارد. استنفورد با میانگین ۳۲۵/۵۷ عضو هیئت‌علمی در هر دانشکده، بالاترین و MIT با متوسط ۲۸۰/۶۷ عضو در هر دانشکده بالاترین تعداد عضو هیئت‌علمی در دانشکده را در بین دانشگاه‌های مورد مطالعه ایرانی و غیر ایرانی دارند. تعداد اعضای هیئت‌علمی دانشگاه استنفورد (به‌عنوان دانشگاهی با بیشترین عضو هیئت‌علمی در دانشکده) ۱۰/۷ برابر تعداد اعضای هیئت‌علمی دانشگاه مازندران (به‌عنوان دانشگاهی با کمترین عضو هیئت‌علمی در دانشکده) است. دانشگاه مازندران در مقایسه با دانشگاه‌های ایرانی مورد مطالعه نیز از تعداد پایین اعضای هیئت‌علمی در دانشکده‌ها برخوردار است و متوسط این نسبت در بین دانشگاه‌های ایرانی ۱/۶ برابر نسبت مشابه در دانشگاه مازندران است. نتایج تحلیل کیفی پژوهش نیز تأیید کننده نتایج بخش کمی پژوهش است. بررسی نتایج کیفی پژوهش نشان‌دهنده آن است که شش دانشکده از دانشکده‌های دانشگاه‌های ایرانی مورد مطالعه در پژوهش تعداد اعضای هیئت‌علمی کمتر از ۱۰ نفر دارند. دانشکده میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری دانشگاه مازندران با ۱ عضو هیئت‌علمی، دانشکده مهندسی دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران و همچنین پردیس البرز دانشگاه تهران با ۷ عضو هیئت‌علمی، پردیس بین‌المللی کیش دانشگاه تهران با ۹ عضو هیئت‌علمی و دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه فردوسی مشهد با ۱۰ عضو هیئت‌علمی نشان‌دهنده فاصله زیاد وسعت و بزرگی دانشکده‌های غیر ایرانی با متوسط ۲۶۵ عضو هیئت‌علمی در هر دانشکده دانشگاه‌های غیر ایرانی مورد مطالعه در پژوهش است.

تعداد اعضای هیئت‌علمی در گروه‌ها نیز از روند مشابهی پیروی می‌کند. به‌طور کلی تعداد اعضای هیئت‌علمی در گروه‌های تعریف‌شده در دانشگاه‌های خارجی بسیار بیشتر از

دانشگاه‌های ایرانی است و متوسط این نسبت در دانشگاه‌های غیر ایرانی حدود ۴ برابر (۳/۷۶) برابر) دانشگاه‌های ایرانی است. در بین دانشگاه‌های ایرانی شهید بهشتی (۱۶/۷۵) بیشترین و دانشگاه مازندران دارای کمترین (۶/۴۸) متوسط تعداد اعضای هیئت علمی در گروه‌های آموزشی تعریف شده است. در شکل ۱۲ نسبت تعداد دانشکده و گروه به تعداد دانشجویان دانشگاه‌های مورد مطالعه ارائه شده است.

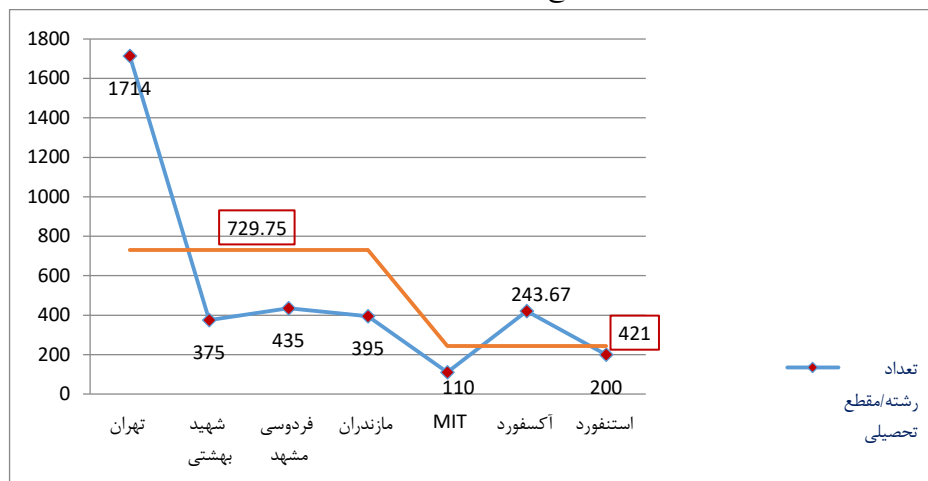
شکل ۱۲. نسبت تعداد دانشکده و گروه به تعداد دانشجویان (ضربدر هزار) دانشگاه‌های مورد مطالعه



نتایج پژوهش مؤید آن است که به‌طور کلی میانگین تعداد دانشکده‌ها و همچنین گروه‌ها نسبت به تعداد دانشجویان در دانشگاه‌های ایرانی بالاتر از نسبت‌های مشابه در دانشگاه‌های غیر ایرانی است. در بین دانشگاه‌های ایرانی دانشگاه شهید بهشتی (۱۰/۴۴) و پس از آن دانشگاه مازندران (۹/۵۷) دارای بالاترین و دانشگاه فردوسی مشهد (۵/۶) دارای پایین‌ترین نسبت دانشکده به دانشجویان در بین دانشگاه‌های مورد مطالعه است. دانشگاه آکسفورد دارای کمترین نسبت تعداد دانشکده به دانشجویان در بین دانشگاه‌های مورد مطالعه است. بر اساس نتایج پژوهش به‌طور کلی دانشکده‌های غیر ایرانی علاوه بر تعداد اعضای هیئت علمی از نظر تعداد دانشجویان نیز پرجمعیت‌تر از دانشگاه‌های ایرانی می‌باشند.

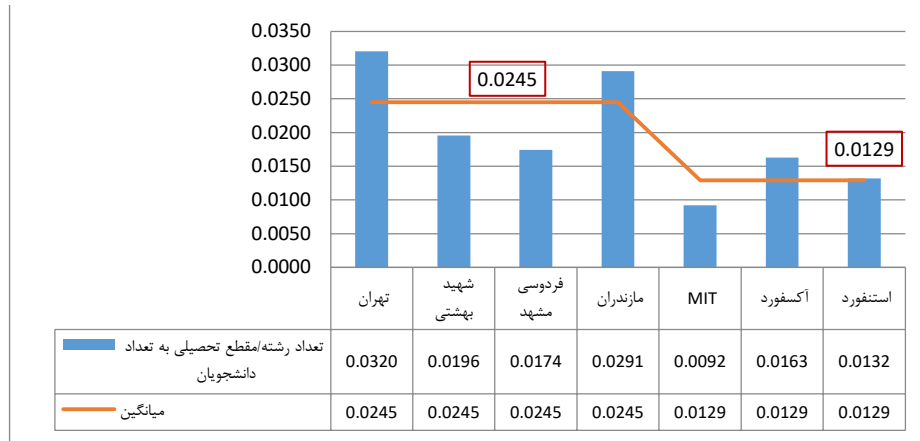
میانگین تعداد گروه‌ها نسبت به جمعیت دانشجویی نیز بالاتر از نسبت مشابه در دانشگاه‌های غیر ایرانی است. به عبارت دیگر به‌طور کلی گروه‌ها آموزشی دانشگاه‌های ایرانی تعداد دانشجویان کمتری در مقایسه با گروه‌های آموزش دانشگاه‌های غیر ایرانی دارند. در بین دانشگاه‌های ایرانی دانشگاه مازندران کمترین و دانشگاه فردوسی مشهد بیشترین تعداد دانشجویان در گروه‌های آموزشی را دارند. نتایج بررسی تعداد دانشکده و گروه نسبت به دانشجویان نیز به‌طور کلی نشان‌دهنده تقسیم‌بندی زیاد و تعداد بالای دانشکده و گروه نسبت به تعداد دانشجویان در دانشکده و گروه‌ها در دانشگاه‌های ایرانی در مقایسه با دانشگاه‌های غیر ایرانی است. در شکل ۱۳، تعداد رشته/مقطع تعریف شده در دانشگاه‌های مورد مطالعه به همراه میانگین تعداد رشته‌های تعریف شده در دانشگاه‌های ایرانی و غیر ایرانی ارائه شده است.

شکل ۱۳. تعداد رشته/مقطع تعریف شده در دانشگاه‌های مورد مطالعه



بر اساس نتایج پژوهش، تعداد رشته/مقطع تحصیلی در تمامی دانشگاه‌های غیر ایرانی کمتر از دانشگاه‌های ایرانی مورد مطالعه است. دانشگاه MIT با ۱۱۰ رشته تحصیلی تعریف شده کمترین و دانشگاه تهران با ۱۷۱۴ رشته، بیشترین تعداد رشته/مقطع را در بین دانشگاه‌های مورد مطالعه دارند. میانگین تعداد رشته تعریف شده در دانشگاه‌های ایرانی حدود ۳ برابر (۲/۹۹) دانشگاه‌های غیر ایرانی است. جهت فهم مناسب‌تر از تعریف تعداد رشته در دانشگاه‌های مورد مطالعه، تعداد رشته به تعداد دانشجویان دانشگاه‌های مورد مطالعه محاسبه و نتایج آن در شکل ۱۴ ارائه شده است.

شکل ۱۴. تعداد رشته/مقطع تحصیلی به تعداد دانشجویان



نتایج پژوهش مؤید آن است که تعداد رشته‌های تعریف شده در تمامی دانشگاه‌های ایرانی مورد مطالعه بیشتر از دانشگاه‌های غیر ایرانی است. تعداد رشته به تعداد دانشجویان دانشگاه‌های ایرانی نیز بیشتر از دانشگاه‌های غیر ایرانی مورد مطالعه در پژوهش است. میانگین این نسبت در دانشگاه‌های ایرانی حدود ۲ برابر (۱/۸۹) این نسبت در دانشگاه‌های غیر ایرانی است. به عبارت دیگر بر اساس نتایج پژوهش، به طور کلی تعداد رشته‌ها و همچنین تعداد رشته‌ها نسبت به تعداد دانشجویان در دانشگاه‌های ایرانی بسیار بیشتر از مقادیر مشابه در دانشگاه‌های غیر ایرانی است.

بحث و نتیجه‌گیری

از دهه ۱۹۷۰ و به ویژه در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ فرایند تغییرات ساختاری و ظهور عوامل جدید اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر ساختار سازمانی دانشگاه آغاز شده است و دانشگاه‌های تراز اول دنیا متأثر از این عوامل مانند راهبردهای بین‌المللی، توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، ظهور اقتصاد مبتنی بر اطلاعات، آزادی بازار کار به سمت انعطاف‌پذیری و ساختارهای مسطح‌تر حرکت کرده‌اند (صالحی عمران، ۱۳۸۸). آینده دانشگاه‌ها نیازمند ساختارهایی پویا، انعطاف‌پذیر، مسطح است.

یافته‌های پژوهش مؤید آن است که به طور کلی متوسط تعداد مدیران نسبت به دانشجویان، در دانشگاه‌های ایرانی بالاتر از دانشگاه‌های غیر ایرانی مورد مطالعه است؛ دانشگاه مازندران و پس از آن دانشگاه تهران بیشترین نسبت تعداد پست‌های مدیریتی به تعداد

دانشجویان را در بین دانشگاه‌های مورد مطالعه دارد. دانشگاه فردوسی مشهد پایین‌ترین تعداد مدیر را نسبت به تعداد دانشجویان در مقایسه با دیگر دانشگاه‌های ایرانی پژوهش دارد. تعداد پست‌های مدیریتی تعریف شده در دانشگاه مازندران ۲/۱۸ برابر این نسبت در دانشگاه‌های غیر ایرانی مورد مطالعه است.

در بین دانشگاه‌های مورد مطالعه ایرانی دانشگاه فردوسی مشهد دارای کمترین نسبت تعداد پست‌های مدیریتی به تعداد دانشجویان، کمترین تعداد پست‌های مدیریتی به تعداد کارمندان اداری و کم‌ترین تعداد دانشکده و گروه نسبت به تعداد دانشجویان و کم‌ترین تعداد رشته و مقطع نسبت به تعداد دانشجویان در بین دانشگاه‌های مورد مطالعه است. دانشگاه شهید بهشتی دارای کمترین نسبت تعداد پست‌های مدیریتی به اعضای هیئت علمی، بیشترین تعداد کارمند اداری نسبت به تعداد دانشجویان، کمترین نسبت تعداد دانشجو به استاد، بیشترین نسبت تعداد اعضای هیئت علمی به گروه و دانشکده در بین دانشگاه‌های مورد مطالعه را دارا بوده و منظم‌ترین الگوی تقسیم‌بندی و تعریف پست‌های مدیریتی را در مقایسه با دیگر دانشگاه‌های ایرانی دارد. دانشگاه مازندران، بیشترین نسبت تعداد پست‌های مدیریتی به تعداد دانشجویان، بیشترین تعداد پست‌های مدیریتی به اعضای هیئت علمی، بیشترین نسبت تعداد دانشجو به استاد، کم‌ترین نسبت تعداد اعضای هیئت علمی به گروه و همچنین پایین‌ترین نسبت تعداد اعضای هیئت علمی در دانشکده، بیشترین تعداد دانشکده و گروه به تعداد دانشجویان در بین دانشگاه‌های مورد مطالعه را دارا بوده و ساختار و تقسیم‌بندی غیر انعطاف‌پذیر و سلسله‌مراتبی و نامنظم از نظر تعداد و عناوین پست‌های مدیریتی دارد.

متوسط تعداد مدیران دانشگاهی نسبت به کارمندان دانشگاه‌های ایرانی مورد مطالعه حدود ۸۰ برابر دانشگاه‌های غیر ایرانی پژوهش است. در بین دانشگاه‌های مورد مطالعه، دانشگاه تهران و پس از آن دانشگاه مازندران دارای بالاترین میزان تعداد مدیر نسبت به کارمندان اداری است؛ دانشگاه شهید بهشتی و پس از آن فردوسی مشهد دارای پایین‌ترین نسبت پست‌های مدیریتی به کارمندان اداری در میان دانشگاه‌های ایرانی مورد مطالعه، است. همچنین دانشگاه شهید بهشتی و فردوسی مشهد از نظر تعداد مدیران با توجه به تعداد دانشجویان و همچنین تعداد کارمندان اداری وضعیتی شبیه به یکدیگر داشته و نزدیک‌تر از دیگر دانشگاه‌های ایرانی به دانشگاه‌های غیر ایرانی از این نظر می‌باشند. بررسی تعاریف پست‌های مدیریتی در دانشکده‌های مورد مطالعه، مؤید آن است که دانشگاه شهید بهشتی

منظم‌ترین الگوی تقسیم‌بندی و تعریف پست‌های مدیریتی را داشته و تعداد پست‌های مدیریتی آن در تمامی ۲۰ دانشکده آن یکسان است. تعداد پست‌های مدیریتی در دانشکده‌های دانشگاه فردوسی مشهد متفاوت است ولی عناوین معاونت‌ها و ترکیب هیئت‌رئیس که تنها از ریاست و معاونین تشکیل شده باشد در تمامی دانشکده‌ها یکسان است. تعداد پست‌های مدیریتی دانشکده‌های مختلف دانشگاه مازندران با یکدیگر یکسان است درحالی‌که عناوین معاونت‌ها و پست‌های مدیریتی تعریف شده در هیئت‌رئیس در دانشکده‌های مختلف بعضاً با یکدیگر متفاوت است. تعریف پست‌های مدیریتی و معاونت‌ها در دانشگاه تهران در بین دانشگاه‌های مورد مطالعه در عین حال که از الگوی مشخصی در رابطه با تعداد معاونت‌ها پیروی نمی‌کند، عناوین معاونت‌ها نیز در دانشکده‌های مختلف دانشگاه تهران متفاوت تعریف شده است و از الگوی خاصی پیروی نمی‌کند. در جدول ۴ نتایج رتبه‌بندی دانشگاه‌ها بر اساس تعداد پست‌های مدیریتی و همچنین تعداد کارمندان اداری با توجه به سه شاخص تعریف شده ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج رتبه‌بندی دانشگاه‌ها بر اساس تعداد پست‌های مدیریتی و همچنین تعداد کارمندان اداری

رتبه	نام دانشگاه	میانگین رتبه	نام دانشگاه	میانگین رتبه
۱	آکسفورد	۱/۳۳	آکسفورد و استنفورد	۱/۶۷
۲	استنفورد	۲	MIT	۲/۶۷
۳	MIT	۳/۳۳	فردوسی مشهد و مازندران	۴/۶۷
۴	فردوسی مشهد	۳/۶۸	شهید بهشتی	۵/۶۷
۵	شهید بهشتی	۴/۶۸	دانشگاه تهران	۷
۶	دانشگاه مازندران	۶/۳۳		
۷	دانشگاه تهران	۶/۶۶		

بر اساس نتایج پژوهش متوسط تعداد پست‌های مدیریتی در هر سه شاخص بررسی شده (نسبت به تعداد دانشجو، تعداد کارمندان اداری و تعداد اعضای هیئت‌علمی) در مقایسه با نسبت‌های مشابه در دانشگاه‌های غیر ایرانی بیشتر است. محاسبه میانگین امتیاز شاخص‌های تعریف شده برای بررسی تعداد پست‌های مدیریتی تعریف شده مؤید آن است که دانشگاه تهران و پس از آن دانشگاه مازندران ساختاری شبیه به یکدیگر با بیشترین تعداد مدیر و بالطبع ساختار سلسله‌مراتبی و غیر منعطف و متمرکز را در بین دانشگاه‌های مورد مطالعه داشته و

دانشگاه شهید بهشتی و پس از آن فردوسی مشهد در مقایسه با دیگر دانشگاه‌های ایرانی مورد مطالعه تعداد مدیر کمتر و بالطبع ساختاری مسطح‌تر و منعطف‌تر را دارا می‌باشند. به‌طور کلی تعداد کارمندان اداری نسبت به تعداد دانشجویان دانشگاه‌های ایرانی نیز بسیار پایین‌تر از مقادیر مشابه در دانشگاه‌های بین‌المللی است و متوسط تعداد کارکنان اداری نسبت به تعداد دانشجویان در دانشگاه‌های غیر ایرانی حدود ۲۷ برابر مقادیر مشابه در دانشگاه‌های ایرانی است. بر اساس نتایج پژوهش دانشگاه فردوسی مشهد و مازندران در بین دانشگاه‌های ایرانی از نظر تعداد کارمندان وضعیت مناسب‌تری در مقایسه با دیگر دانشگاه‌های ایرانی پژوهش دارند و دانشگاه تهران به‌طور متوسط کمترین تعداد کارمند اداری را در مقایسه با مقادیر مشابه در بین دانشگاه‌های ایرانی و غیر ایرانی مورد مطالعه در پژوهش دارد. به‌عبارت‌دیگر در دانشگاه‌های ایرانی تعداد پست‌های مدیریتی بیشتر و تعداد کارمندان اداری کمتری در مقایسه با دانشگاه‌های غیر ایرانی تعریف شده است. دانشگاه فردوسی مشهد هم در تعداد کارمندان اداری و هم در تعداد پست‌های مدیریتی بهترین وضعیت را در مقایسه با دیگر دانشگاه‌های ایرانی دارد. بر اساس نتایج پژوهش، دانشگاه تهران دارای کمترین تعداد کارمند اداری (میانگین هر سه شاخص) و بیشترین پست‌های مدیریتی بوده و می‌توان گفت دارای ساختار سازمانی سلسله‌مراتبی و متمرکزتری در مقایسه با دانشگاه فردوسی مشهد و شهید بهشتی و همچنین کلیه دانشگاه‌های غیر ایرانی مورد مطالعه در پژوهش است. بررسی نسبت دانشجو به استاد در دانشگاه‌های مورد مطالعه مؤید آن است که نسبت دانشجو به استاد در دانشگاه‌های ایرانی بسیار بالاتر از نسبت مشابه در دانشگاه‌های غیر ایرانی است. دانشگاه شهید بهشتی بهترین وضعیت را از این نظر در بین دانشگاه‌های ایرانی پژوهش داشته و دارای پایین‌ترین نسبت استاد به دانشجو در بین دانشگاه‌های مورد مطالعه ایرانی (۱۴/۸۵) است. دانشگاه مازندران با نسبت دانشجو به استاد ۳۴/۳۸ بالاترین نسبت استاد به دانشجو را در بین دانشگاه‌های مورد مطالعه داشته که این مقدار حدود ۳/۸ برابر مقدار متوسط نسبت دانشجو به استاد در دانشگاه‌های غیر ایرانی مورد مطالعه و ۱/۸ برابر متوسط این نسبت در دانشگاه‌های ایرانی است. نسبت دانشجو به استاد در دانشگاه مازندران ۲/۳ برابر این نسبت در دانشگاه شهید بهشتی است. همچنین نتایج پژوهش مؤید آن است که برخلاف دانشگاه‌های غیر ایرانی، اختلاف زیادی در نسبت دانشجو به استاد در دانشگاه‌های ایرانی وجود دارد.

تعداد اعضای هیئت علمی در گروه‌ها و همچنین دانشکده‌ها در دانشگاه‌های غیر ایرانی مورد مطالعه نیز بسیار بیشتر از دانشگاه‌های ایرانی مورد مطالعه در پژوهش است. در میان دانشگاه‌های ایرانی، شهید بهشتی (۶۴/۵) و بعد از آن فردوسی مشهد (۵۷/۵) بیشترین تعداد اعضای هیئت علمی را در هر دانشکده در مقایسه با دیگر دانشگاه‌های ایرانی داشته و دانشگاه مازندران (۲۸/۲۱) نیز پایین‌ترین تعداد اعضای هیئت علمی در دانشکده را در بین دانشگاه‌های ایرانی و غیر ایرانی مورد مطالعه دارد. استنفورد با میانگین ۳۲۵/۵۷ عضو هیئت علمی در هر دانشکده، بالاترین و MIT با متوسط ۲۸۰/۶۷ عضو در هر دانشکده بالاترین تعداد عضو هیئت علمی در دانشکده را در بین دانشگاه‌های مورد مطالعه ایرانی و غیر ایرانی دارند. تحلیل نتایج پژوهش نشان‌دهنده وسعت و بزرگی دانشکده‌ها و گروه‌های تعریف شده در دانشگاه‌های غیر ایرانی در مقایسه با دانشگاه‌های ایرانی از نظر تعداد اعضای هیئت علمی است. متوسط تعداد اعضای هیئت علمی در دانشکده‌های غیر ایرانی ۱۱/۵ برابر و در گروه‌های غیر ایرانی حدود ۴ برابر نسبت‌های مشابه در دانشگاه‌های ایرانی است. این نتایج مؤید بیشتر بودن تقسیم‌بندی‌های دانشکده‌ها و گروه‌های دانشگاه‌های ایرانی با توجه به تعداد اعضای هیئت علمی در مقایسه با دانشگاه‌های غیر ایرانی است. به‌عنوان مثال مقایسه هر دانشکده استنفورد (به‌عنوان دانشگاهی با بیشترین نسبت تعداد اعضای هیئت علمی در دانشکده) به‌طور متوسط ۳۲۵/۵۷ عضو هیئت علمی دارد با دانشگاه مازندران (به‌عنوان دانشگاهی با کمترین نسبت تعداد اعضای هیئت علمی در دانشکده) با متوسط ۲۸/۲۱ عضو هیئت علمی، نشان‌دهنده غنی‌تر بودن دانشکده‌های غیر ایرانی و زیاد بودن بسیار زیاد تقسیم‌بندی دانشکده‌ها و همچنین گروه‌ها در دانشگاه‌های ایرانی با توجه به تعداد اعضای هیئت علمی هر گروه و دانشکده است.

تعداد رشته/مقطع تحصیلی در تمامی دانشگاه‌های غیر ایرانی کمتر از دانشگاه‌های ایرانی مورد مطالعه است. دانشگاه MIT با ۱۱۰ رشته تحصیلی تعریف شده کمترین و دانشگاه تهران با ۱۷۱۴ رشته، بیشترین تعداد رشته/مقطع را در بین دانشگاه‌های مورد مطالعه دارند. میانگین تعداد رشته تعریف شده در دانشگاه‌های ایرانی حدود ۳ برابر (۲/۹۹) دانشگاه‌های غیر ایرانی است. گروه‌های آموزشی و دانشکده‌های تعریف شده در دانشگاه‌های غیر ایرانی از نظر تعداد اعضای هیئت علمی، تعداد کارمندان اداری وسیع‌تر و غنی‌تر از گروه‌ها و دانشکده‌های تعریف شده در دانشگاه‌های ایرانی هستند. همچنین استقلال بالاتری در مقایسه با دانشگاه‌های

غیر ایرانی دارند؛ تصمیماتی مانند تعداد اعضای هیئت‌علمی و کارمندان اداری در دانشگاه‌های برتر خارجی (به‌عنوان مثال MIT) بر اساس نیازها و استراتژی‌های تدوین شده در گروه‌ها و دانشکده‌ها و آزمایشگاه‌ها تعیین می‌گردد و در مورد تعداد کارکنان و اعضای هیئت‌علمی به‌صورت متمرکز و در سطوح دانشگاه و موسسه تصمیم‌گیری نمی‌شود.

ساختارهای سازمانی دانشگاه‌های خارجی در مقایسه با دانشگاه‌های ایرانی که بیشتر به‌صورت سلسله‌مراتبی هستند به‌صورت ساختارهایی مسطح‌تر و افقی‌تر تنظیم شده‌اند. ساختارهای مسطح در مقایسه با ساختارهای سلسله‌مراتبی، افراد را در یک سطح قرار می‌دهد که نشان‌دهنده برابری قدرت و توانایی تصمیم‌گیری مستقل بیشتر از معمول افراد در دانشگاه‌هایی با ساختارهای سلسله‌مراتبی است (investopedia, 2022). در دانشگاه‌های ایرانی تعداد رشته‌های تحصیلی، گروه‌های آموزشی و دانشکده‌ها در مقایسه با دانشگاه‌های غیر ایرانی بسیار بیشتر است و ساختار سلسله‌مراتبی و متمرکز با تعداد زیاد پست‌های مدیریتی و تعداد کمتر کارمندان اداری در مقایسه با دانشگاه‌های غیر ایرانی الگوی حاکم بر ساختار و تقسیم‌بندی دانشگاه‌های ایرانی است.

دانشگاه آکسفورد هم از نظر تعداد کارمندان اداری و هم تعداد پست‌های مدیریتی بالاترین رتبه را در بین دانشگاه‌های مورد مطالعه داشته؛ همچنین نوع طبقه‌بندی دانشگاه آکسفورد نیز می‌تواند به‌عنوان الگویی جهت تقسیم‌بندی دانشگاه‌ها مورداستفاده قرار گیرد. در دانشگاه آکسفورد گروه‌ها در داخل دانشکده‌ها قرار نگرفته‌اند و همگی در یک سطح و در کنار هم و بدون ساختار سلسله‌مراتبی قرار گرفته‌اند. دانشگاه آکسفورد ساختاری کاملاً منعطف و مسطح داشته و در نتیجه با توجه به مبانی نظری پژوهش خود را با تحول از جامعه صنعتی مبتنی بر نظریه فوردیسم به جامعه اطلاعاتی پسا فوردیسمی هماهنگ کرده است. بر اساس نتایج پژوهش دانشگاه‌های ایرانی با تعریف تعداد زیادی گروه و دانشکده و دانشکدگان (در برخی دانشگاه‌ها مانند دانشگاه تهران) و ساختار سلسله‌مراتبی و غیر منعطف و فرموله شده، الزامات مورد نیاز جامعه اطلاعاتی پسا فوردیسمی را تأمین نمی‌کنند و ساختارهای دانشگاه‌های ایرانی بیشتر با ویژگی‌های تعریف شده در دانشگاه‌های مبتنی بر نظریه‌های فوردیسمی شباهت دارد. در نتیجه پیامدهای احتمالی مانند افزایش هزینه‌های مدیریتی، دور شدن اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان از یکدیگر و عدم امکان ارتباط میان‌رشته‌ای و بین‌رشته‌ای و همچنین همکاری‌های مشترک کمتر در پروژه‌های تحقیقاتی را

به همراه خواهد داشت؛ به نظر می‌رسد رشد توده‌ای در تعداد دانشگاه‌ها در چند سال اخیر در تعداد دانشکده‌ها و گروه‌ها نیز روی داده است؛ در نتیجه جهت تأمین الزامات لازم برای جامعه فرا صنعتی پسا فوردیسمی ساختارهای سازمانی دانشگاه‌های ایرانی لازم است از ساختارهای سازمانی سلسله‌مراتبی و غیر منعطف در جهت ساختارهای منعطف‌تر و مسطح‌تر اصلاح شوند همان‌طور که ساختارهای سازمانی دانشگاه‌های برتر غیر ایرانی مانند آکسفورد، MIT و استنفورد در سال‌های اخیر بدین صورت متحول و اصلاح گردیده‌اند چرا که معتقدند سیستم‌های مبتنی بر تمرکزگرایی، رسمیت شدید، ارتباط‌های رسمی و مبتنی بر بروکراسی زیاد، بر آموزش افراد بدون توجه به نیازهای فرد و محیط بیرونی و کانالیزه کردن آموزش در یک مسیر خاص منجر خواهد شد. در ساختارهای سلسله‌مراتبی تعداد پست‌های مدیریتی بیشتری نسبت به تعداد کارمندان اداری تعریف شده است که علاوه بر این که تعامل، توانایی تصمیم‌گیری و استقلال کمتر در مقایسه با ساختارهای مسطح‌تر در ساختارهای سلسله‌مراتبی وجود دارد، از نظر بار مالی و اقتصادی نیز هزینه‌های بیشتری با توجه به حق مدیریت و حقوق و مزایای مدیران بر دانشگاه‌ها تحمیل می‌گردد.

تعارض منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تعارض منافی در رابطه با نتایج پژوهش ندارند.

منابع

- Ahmadiasl, F., Shahi, S., Mehralizadeh, Y., & Farasatkah, M. (2019). Identifying Desirable Structure Components in Higher Education: Paving the Way for Lifelong Learning. *studies in learning and instruction*, 11(1), 218-238. [In Persian]
- Collegefactual (2022). The Massachusetts Institute of Technology Student to Faculty Ratio & Faculty Composition, <https://www.collegefactual.com/colleges/massachusetts-institute-of-technology/academic-life/faculty-composition/#secRatio>
- Deegan, J., & Martin, N. (2018). *Demand Driven Education, merging work & learning to develop the human skills that matter*. <https://www.pearson.com>.
- Ferdowsi University of Mashhad (2022a). [members/professors/list](https://www.um.ac.ir/members/professors/list.html). <https://www.um.ac.ir/members/professors/list.html>
- Ferdowsi University of Mashhad (2022b). Vice President For Academic Affairs. <https://vpap.um.ac.ir/index.php/fa/>
- Gresov, C., & Drazin, R. (2007). Equifinality: functional equivalence in organization design. *Academy of Management Review*, 22, 403-428.
- Investopedia (2022). Organizational Chart, <https://www.investopedia.com/terms/o/organizational-chart.asp>

- Izadi Yazdanabadi, A., & Behrangi M. R. (2006). Evaluation and Analysis of the Organizational Structure of Tarbiat Moallem University "A Comparison Between Status Quo and Satisfactory Situation". *IRPHE*, 12(2), 23-38.
- Khanifa, H., & Moslemi, N. (1395). *Qualitative Research Methods, New and Practical Approach*, Volume 1. Tehran: Negah.
- Massachusetts Institute of Technology (MIT). (2021). 2021 Town Gown Report to the city of Cambridge, <https://ogcr.mit.edu/towngown/>
- Massachusetts Institute of Technology (MIT). (2022a). Senior Leadership, <https://orgchart.mit.edu/senior-leadership>
- Massachusetts Institute of Technology (MIT). (2022b). Fields of Study, <https://gradadmissions.mit.edu/programs/fields-of-study>
- Massachusetts Institute of Technology (MIT). (2022c). Doctoral Degrees, <https://gradadmissions.mit.edu/programs/degrees/doctoral-degrees>
- Massachusetts Institute of Technology (MIT). (2022d). Departments, <https://www.mit.edu/education/schools-and-departments/>
- Mehralizadeh, Y., Safaeemoghadam, M., Salehi Omran, E., & Alam, M. A. (2013). *Foundation of Research theory and practice (Quantitative, Qualitative and Mixed) in Humanities*, Ahwaz, University of Shahid Chamran.
- Rameshgar, R., Rajaei Pour, S., & Siadat, S. A. (2015). A Comparative Study on the Organizational Structure of Isfahan University and Isfahan University of Medical Sciences. *Higher Education Letter*, 7(27), 77-98.
- Robbins, S. P. (2012), *Organizational Behavior*, Alvani, M; Danai Fard, H. (2021), Tehran, Saffar.
- Salehi Omran, E. (2010). *Society, work and occupations*, Tehran, Iran.
- Shahid Beheshti University. (2022a). about1, <https://en.sbu.ac.ir/>
- Shahid Beheshti University. (2022b). president, <https://president.sbu.ac.ir/>
- Shahid Beheshti University. (2022c). faculty-list, <https://www.sbu.ac.ir/faculty-list>
- Shahid Beheshti University. (2022d). cv, <https://www.sbu.ac.ir/cv>
- Stanford University. (2021). Administrative Guide Memo 9.2.1. https://adminguide.stanford.edu/sites/adminguide/files/agm_9.2.1_provost_or_g_chart_10.26.21.pdf
- Stanford University. (2022a). Admission, <https://www.stanford.edu/admission/>
- Stanford University. (2022b). Academics, <https://www.stanford.edu/academics/>
- Stanford University. (2022c). Academic Departments, <https://www.stanford.edu/list/academic/>
- Uniref. (2022). TopUnivs, <https://www.uniref.ir/TopUnivs>
- University of Mazandaran. (2022). <https://umz.ac.ir/>
- University of Oxford. (2022a). Divisions, <https://www.ox.ac.uk/research/divisions>
- University of Oxford. (2022b). University Officers, <https://www.ox.ac.uk/about/organisation/university-officers>
- University of Oxford. (2022c). A-Z of courses, <https://www.ox.ac.uk/admissions/graduate/courses/courses-a-z-listing>
- University of Oxford. (2022d). Divisions. https://www.ox.ac.uk/about/departments-a_z
- University of Tehran (2022a), <https://ut.ac.ir>
- University of Tehran (2022b). Organizational Structure, <https://academics.ut.ac.ir/fa/page/9948/%d8%b3%d8%a7%d8%ae%d8%aa%d8%a7%d8%b1-%d8%b3%d8%a7%d8%b2%d9%85%d8%a7%d9%86%db%8c>